

تحلیل فرایند تولید فضای غیررسمی در شهر سنندج

کسری آشوری (کارشناسی ارشد شهرسازی گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران)^۱

k.au70@yahoo.com

کیومرث ایراندوست (دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران، نویسنده مسئول)

k.irandoost@uok.ac.ir

کمال خالقی‌پناه (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران)

kkhaleghpanah@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

صص ۲۱۱-۲۴۲

چکیده

شکل‌گیری و گسترش فقر و نابرابری شهری معاصر در پی گسترش سازوکارهای نظام سرمایه‌داری جهانی و بیشتر در شکل سرمایه‌داری دولتی^۲ در ایران، شکل‌گیری دوگانه‌ی رسمی و غیررسمی در ابعاد اقتصاد و کالبد شهرها را در پی داشته است. در تفسیر و تشریح فرآیند غیررسمی شدن به ویژه در ابعاد فضایی شهر مباحث پدیده‌های جاری است. در این نوشتار با تمرکز بر روش تحلیلی انتقادی و با توجه به نظریه تولید فضای هانزی لوفور مبتنی بر سه وجه فضایی فضا شامل بازنمایی فضا، عمل فضایی و فضای زیسته، نظام تولید و بازتولید فضا در زیست غیررسمی^۳ شهری به‌عنوان مکمل فضای رسمی بررسی شده است. پرسش بنیادین نوشتار این است که نتیجه کوشش و منازعه بر تولید فضای غیررسمی از سه وجه فضایی بازنمایی فضا (پنداشته)، عمل فضایی (دریافته) و فضای زیسته چگونه خود را در شهر نشان داده است و چگونه درک شده است؛ در کوشش برای پاسخ به این پرسش، شهر سنندج، مرکز استان کردستان و یکی از شهرهای دارای فضای غیررسمی گسترده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که سه گروه فن‌سالار دولتی و علمی و مردم از شرایط زیست غیررسمی درک و برداشتی متفاوت دارند. هر گروه بر پایه‌ی دیدگاه‌های خود؛ تفکرات خود را شایسته‌تر و ورای دیگر گروه‌های می‌دانستند و این در صورتی است که ساکنان این سکونتگاه‌ها خود را بهره‌ور از این مناطق دانسته و دیدگاه خود را برای ساماندهی مطلوب‌تر می‌دانند. تفاوت نگرش و اقدامات سه گروه فن‌سالاران دولتی و علمی با تجربه‌ی زیسته‌ی ساکنان نشان از شکاف عمیق میان این گروه‌ها و لزوم در نظر گرفتن راهکارهایی بدیل با دیدی انتقادی و یکتا از فضا نسبت به دهه‌های پیشین را ایجاد کرده است.

کلیدواژه‌ها: تولید فضا، سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری، زیست غیررسمی، شهر سنندج.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان تحلیل انتقادی گفتمان حاشیه‌نشینی از دیدگاه فن‌سالاران تا تجربه زیسته ساکنان "نمونه موردی سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهر سنندج" است که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاور نویسنده سوم می‌باشد.

2. State – Capitalist

مفهوم «سرمایه‌داری دولتی» به‌ندرت می‌تواند از آزمون تحلیل اقتصادی جدی به‌سلامت عبور کند. زمانی که دولت به مالک انحصاری همه‌ی ابزارهای تولید بدل می‌شود، عملکرد یک اقتصاد سرمایه‌داری از طریق نابودی سازوکاری که خون چنین نظامی را در گردش نگه می‌دارد، ناممکن می‌شود (Hilferding, 2010).

3. Informality

۱. مقدمه

غیررسمی شهری^۲ از سوی منتقدان پیش کشیده شده است. از دیدگاه انتقادی این پدیده که در دهه ۱۹۷۰ به بعد و در مقیاس جهانی عموماً با گسترش روابط سرمایه‌داری و بیشتر با الگوبرداری سیاست‌های نئولیبرالیسم و در کشورهای درحال توسعه گسترش یافته و تبدیل به سبکی از زندگی شهری و مکمل برنامه‌ریزی رسمی شده است، ساخته‌ی دست نظام سرمایه‌داری است که در سطح جهانی روالی منطقی و از ثروت به قدرت را طی نموده است. در این دیدگاه این فرایند در سطح ایران روالی عکس شرایط جهانی یعنی از قدرت به ثروت دارد و به صورت کاملاً بروکراتیک طی شده است (بیل، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

از این دیدگاه سرمایه‌داری و نظام بروکراتیک برآمده از آن، ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیزته شهری را عامل اصلی چالش می‌داند (داوویس^۳، ۲۰۰۶) و به صورت ریشه‌ای به حل مسئله نمی‌نگرد. در این چارچوب، نگرش رسمی که خود از عوامل بازتولید وضعیت موجود است و از زاویه‌ای خارج از تجربیات زیسته ساکنان به موضوع می‌نگرد، فضای موردنظر خود را بر شهرها تحمیل می‌کند و موجب به حاشیه رانده شدن افراد حتی با سابقه شهرنشینی و

۱.۱ طرح مسئله

امروزه در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، فقر بیش از پیش شهری شده است. آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲ در حدود ۳۲/۷ درصد از جمعیت شهری کشورهای درحال توسعه در سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری زندگی می‌کنند (برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۷)؛ اگرچه در ایران در این زمینه داده‌های روشنی در دست نیست اما برخی برآوردها جمعیت دچار فقر را تا ۳۰ درصد جمعیت شهری کشور یعنی بالای ۱۹ میلیون نفر جمعیت دانسته‌اند (مهری، ۱۳۹۵، ص. ۱۳).

که بیشتر در شکل سکونت غیررسمی و غیررسمی شدن فضای زندگی بخشی از شهر ظاهر شده است. باز نمود کالبدی فقر شهری با عناوین مختلف از جمله حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، اسکان غیررسمی و آلونک‌نشینی قلمداد شده که همواره از دیدگاه برنامه‌ریزی و مدیریت در یک فرایند غیررسمی زاده شده و همواره به مثابه یک چالش پدیده‌ای ضد شهری نگریسته شده است؛ در حالی ابعاد این مسئله گسترش روزافزون یافته است که یکی از ویژگی‌های آن کارا نبودن گفتمان گروه‌های دخیل در سامان دادن به این پدیده است که خود بر دامنه آن افزوده است. در باز نمود چرایی ناکارآمدی این گفتمان‌ها، تأکید بر نگاه تقلیل‌گرایانه به زیست

۲. زیست غیررسمی شهری تنها شامل فعالیت‌های فقرا، یا وضعیت خاص کار و یا به حاشیه رانده شدگان نیست، بلکه منطبق سازماندهی است که ذیل پارادایم آزادسازی اقتصادی شکل گرفته است. آزادسازی اقتصادی ابزاری برای درک تغییر شرایط شهری در اختیار قرار می‌دهد و نمی‌توان خارج از زمینه جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی به درک مناسبی از زیست غیررسمی شهری دست یافت (الصیاد، ۱۳۹۵).

شکل‌گیری غیررسمیت به‌عنوان مکمل فضای رسمی می‌شود.

از دید تولید فضای لوفور به‌صورت کلی در عصر شهری شدن، مثلث دولت، سرمایه و دانش سعی در تولید فضای تحمیلی بر ساکنان در راستای انباشت هر چه بیشتر سرمایه در شهرها دارند که در پی آن شاهد افزایش به حاشیه رانده شدن افراد هستیم که خود در خارج از چارچوب رسمی، فضای موردنظر خود را تولید می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر تولید فضای رسمی خود مولد تولید فضای غیررسمی است. در این راستا از نظر لوفور دیدگاهی دگراندیشانه و ریشه‌ای نسبت به دوگانه رسمی - غیررسمی و مرکز - حاشیه نیاز است که روابط درهم‌تنیده موجود را در قالب نگرشی یکتا از فضا در نظر می‌گیرد (لوفور، ۱۳۹۳).

پژوهش حاضر بر آن است تا برپایه تحلیل انتقادی در چارچوب دستگاه فکری هانری لوفور و با تمرکز بر نظریه تولید فضای او مبتنی بر سه وجه فضایی، یعنی فضای بازنمایی فضا (پنداشته)، عمل فضایی (دریافته) و زیسته (اجتماعی)، نظام تولید و بازتولید فضا در زیست غیررسمی را بررسی کند. در این راستا، شهر سنندج، مرکز استان کردستان در قالب سه‌گانه فضایی لوفوری تجزیه و تحلیل شده است. این شهر نیز همانند بسیاری از شهرها در کشورهای در حال توسعه شهری در حال گذار است که امروزه با پدیده بازتولید فضای غیررسمی در شهر و اطراف آن روبه‌رو است. لذا در این پژوهش سعی می‌شود از زاویه‌ای دیگر به زیست غیررسمی در شهر سنندج نگرسته شود و فراتر از تحلیل سطحی پدیده و نمود آن به‌صورت تقلیل‌گرایانه این مسئله، روابط فضایی و

سازوکارهای تحمیلی از یک‌سو و تلاش ساکنان در خارج از چارچوب رسمی و به‌عنوان مکمل آن واکاوی شود. شاید واکاوی این پدیده از این دیدگاه و از این سه‌زاویه این مجال را فراهم آورد که درک روشن‌تری از آن را به‌دست آید و بتوان برپایه‌ی آن سیاست‌گذاری کارآمدتری برای بهبود شرایط سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری در ایران را دنبال کند.

۲.۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

در دهه گذشته مجموعه و شمار جدیدی از مطالعات زیست غیررسمی پدیدار شد که یکی از متون تأثیرگذار در آغاز این روند پژوهشی، مقاله‌ی جریان ساز نزار الصیاد با عنوان «زیست غیررسمی شهری به‌مثابه شیوه‌ای از زندگی» بود (الصیاد، ۲۰۰۴). در این نوشتار الصیاد با وام‌گیری از نام مقاله‌ی لوییز ویرث تحت عنوان «شهرگرایی به‌مثابه شیوه‌ای از زندگی» گامی جدید در صورت‌بندی مسئله‌ی غیررسمیت برداشت. الصیاد در مقاله‌ی خود غیررسمیت را شکلی از کردارها و سازمان اجتماعی تعریف می‌کند که با زیست غیررسمی افراد گره خورده است. از این‌رو مناسبات اجتماعی، پیوندهای رسمی و غیررسمی، سازوکارهای اقتصادی و تاکتیک‌های گروهی فرودستان در کانون توجه این رویکرد قرار دارد. این نگاه بیش از آنکه غیررسمیت را به شکل قلمرویی^۱ بنگرد، آن را در چارچوب ساختار اجتماعی تصور می‌کند و این برداشت از مسئله‌ی غیررسمیت، فضای جدیدی را برای

مجموعه‌ای از پژوهش‌های نو فراهم کرده است (روی، ۱۳۹۶).

از این نگاه، زیست غیررسمی به عنوان نوعی سبک خاص زندگی و یک اصطلاح شهرنشینی و یک منطق است که از طریق آن فضاهاى مختلف تولید و مدیریت می‌شوند (الصیاد و روی، ۲۰۰۳: ۲۳۳). همچنین در این دیدگاه رسمیت و غیررسمیت دو روی یک سکه محسوب می‌شوند و اساساً با پدیده‌ای ویژه روبرو هستیم که رسمیت بدون غیررسمیت ممکن نیست و در شکل اقتصاد سرمایه‌دارانه نیز هیچ فرایند رسمی‌ای بدون یک فرایند غیررسمی همبسته امکان وجود نمی‌یابد. زیست غیررسمی شهری تنها شامل فعالیت‌های فقرا یا وضعیت خاص کار و یا به حاشیه رانده‌شدگان نیست، بلکه منطق سازماندهی‌ای است که ذیل پارادایم آزادسازی اقتصادی شکل گرفته است (الصیاد، ۱۳۹۵).

تاییدگر این موضوع همزمانی شکل‌گیری دوگانه-ی رسمیت/غیررسمیت با غلبه افسارگسیخته‌ترین ایدئولوژی سرمایه‌داری یعنی نئولیبرالیسم توسط سازمان‌های جهانی‌ای همچون سازمان بین‌المللی کار (ILO) بود (رهنما، ۱۳۹۵: ۱۲ و مردانی، ۱۳۹۴). علاوه بر شکل‌گیری دوگانه‌ی رسمیت/غیررسمیت در این دوران (دهه‌ی ۱۹۷۰)، سیاست‌های سازمان‌های شکل گرفته پس از کنفرانس برتوون وودز^۱ (در دوران کینیزی) همچون بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم (که در این زمان به بانک جهانی تغییر نام یافت) و صندوق بین‌المللی پول در راستای سیاست-

های نئولیبرالیسم قرار گرفت (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۴۴). این سازمان‌ها و گروه‌ها چنان می‌نمایاندند که به بهبود وضعیت فقرا کمک می‌کنند اما نه تنها به بهبود این امر کمک نکرده‌اند بلکه موجب بازتولید هرچه بیشتر فقر و واژگانی چون غیررسمیت در برابر زیست ساکنان شده‌اند (رایس^۲، ۲۰۱۵). دیگر آن‌که فرآیندهای غیررسمی را نه فقط در میان مهاجران یا اقشار فقیر، بلکه در میان گروه‌هایی که پیش‌تر در زمره طبقه متوسط بودند و حتی کارمندان دولت و متخصصان نیز گسترش داده‌اند (محمدی و آشوری، ۱۳۹۶).

در این راستا نمی‌توان منکر این امر شد که غیررسمیت بخش سازنده‌ی محوری تولید فضا است. پرکتیس‌های غیررسمی و رسمی همسان گذشته به‌سان کمیتی سنجش پذیر و مجزا وجود ندارند. غیررسمیت، فرایند و پرکتیسی است که از فرایند شهری شدن جدا نیست. غیررسمیت، مؤلفه‌ی سازنده‌ی این شکل از شهری شدن است.

این شکل از شهری شدن که برخاسته از سرمایه-داری شهری یا همان فاز تولید فضا است، اساساً به واسطه‌ی غیررسمی‌سازی در یک سو و رسمی‌سازی از سوی دیگر پیش می‌رود. در این شکل اجتماعی نوپدید، تمرکز در یک نقطه، ضرورتاً با پراکندگی در نقطه‌ای دیگر همراه است و هر یک شرط دیگری است. انباشت سرمایه در یک نقطه، ضرورتاً با فقیرسازی در نقطه‌ای دیگر همراه است که در ابعاد جهانی بسیار بیشتر در تفسیرهای مکتب وابستگی از

1. Bretton-Woods Conference

2. Rice

جمله در رابطه متروپل و اعمار ارائه شده بود (میردال و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۴۳).

این‌ها به‌طور درونی همبسته‌اند. در نتیجه، فقر و نابرابری شهری، پدیده‌هایی مانند آنچه معمولاً می‌شناسیم نیستند بلکه شکل ناگزیرِ فازِ کنونی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری است، زیرا سرمایه‌داری همواره با انباشت و تراکم در یک فضا نابرابری را تولید کرده و بازتولید سرمایه‌داری اساساً به‌واسطه‌ی همین تولید سیستماتیک فقر و نابرابری فضایی پیش می‌رود. به همین معناست که گفته می‌شود هر نیروی تمامیت‌سازی، باقیمانده‌اش را بیرون می‌گذارد. هر شمولی، دربرگیرنده‌ی طرد است (ترکمه و شیرخدایی، ۱۳۹۵، ص. ۹). در چنین فرآیندی و به‌ویژه پس از صنعتی شدن و شکل جدید انباشت سرمایه، سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری شاهد رشد جمعیتی شد و با چرخش فضایی به‌سوی امر شهری و مرحله دوم انباشت سرمایه در شهرها و تولید فضا شکلی جهان‌شمول و سیاره‌ای به خود گرفت و گسترش یافت. در این شرایط هانری لوفور در اوج دوران فوردیسم و مدرنیسم نظریه تولید فضای خود را در سطحی کلان‌تر و ساختاری در کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۷۴ ارائه کرد. در این دوران با غلبه مقررات سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک دولت رفاه (نهادسازی)، به مردم به‌عنوان شیء نگریسته می‌شد و چیرگی ایدئولوژی شهرسازی انبوه و بزرگ‌مقیاس باعث طرد بسیاری از ساکنان شهری به حاشیه شده بود (پیران، ۱۳۹۴، صص. ۱۰-۱۱).

قیمت گزاف اشتغال و تولید فضا رشد مورد نیاز برای بقای خود را فراهم کرده است (لوفور، ۱۹۷۳، ص. ۲۱). از نظر وی تحولی موازی بین هژمونی سرمایه‌داری در غرب مدرن و تولید فضای انتزاعی وجود دارد. او به تحلیل رابطه‌ی نادیده گرفته شده میان قدرت و فضا می‌پردازد؛ فضایی پاره‌پاره و سلسله‌مراتبی که به چارچوبی برای قدرت بدل می‌شود (لوفور، ۱۳۹۳: ۱۹ و لوفور، ۱۳۹۱، صص. ۱۱-۶). او در واقع نظریه تولید فضای خود را در تقابل با فضای انتزاعی و مطلق دکارتی بنیان نهاد (جوان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳). از نظر لوفور فضا دیگر به‌مثابه یک ظرف خالی نیست که با اشیاء پر شود. یک واقعیت مادی مستقل و خود بنیاد و یا یک واقعیت آغازین معرفت‌شناسی نیست بلکه تولیدی اجتماعی است. از این رو برپایه‌ی شرایط زمان و مکان و یا شیوه تولید و شرایط اجتماعی فرهنگی هر جامعه، فضایی خاص تولید می‌شود (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). لوفور در این رابطه از چرخه‌ی دوم انباشت سرمایه در شهر نام می‌برد که نسبتاً مستقل از چرخه‌ی نخست یا صنعت است (ترکمه و شیرخدایی، ۱۳۹۴). او بر این باور بود که وجه نو فضا‌مندی اجتماعی (اجتماع فضا‌مندی) دربرگیرنده پروبلماتیک نابرابری فضایی است، همان‌گونه که برای نمونه در فرآیندهای جهانی‌شدن / سازی و در تضاد مرکز / حاشیه دیده می‌شود (ترکمه به نقل از لوفور، ۱۳۹۳، ص. ۴۲).

از دید وی در این پدیده‌ی نو، مرکز و حاشیه درعین حال که متضمن یکدیگرند، ضد یکدیگر نیز هستند (لوفور، ۱۳۹۳). نکته کلیدی نظریه لوفور این است که تولید فضا را می‌توان به سه بعد یا فرآیندی

لوفور بر این باور بود که سرمایه‌داری برای آنچه - که مارکس در کتاب سرمایه پیش‌بینی کرده بود با

از لحاظ دیالکتیکی درهم تنیده (دارای اهمیتی برابر)، درک شده، تصور شده و زیست شده (زیسته) اشاره تقسیم کرد. او این سه بعد را لحظه‌های تولید فضا می‌نامد. این سه لحظه از یک سو به سه تایی عمل فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی (زیسته) اشاره می‌کنند و از سوی دیگر به فضای

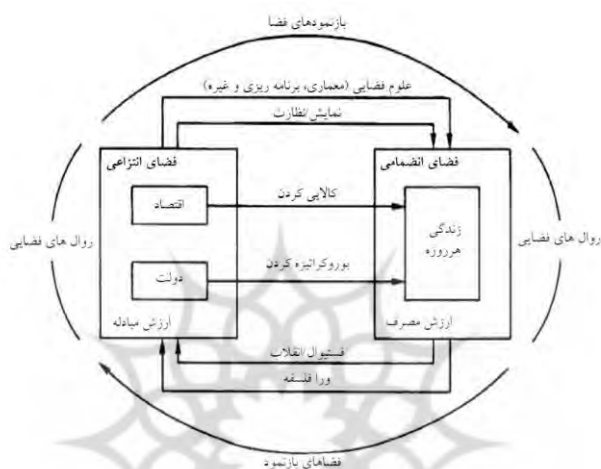
درک شده، تصور شده و زیست شده (زیسته) اشاره دارند. این سری‌های موازی بر رویکردی دوگانه به فضا دلالت دارد: رویکردی زبان شناسانه یا نشانه شناسانه و دیگری رویکردی پدیدارشناسانه (ترکمه به نقل از اشמיד، ۱۳۹۳).

جدول ۱. سه وجه تولید فضای لوفور

<p>«عمل فضایی تولید و بازتولید و محل‌های خاص و مجموعه‌های فضایی مختص هر شکل‌گیری اجتماعی را در برمی‌گیرد. عمل فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را پنهان می‌کند، آن را در یک تعامل دیالکتیکی مطرح و مقدم می‌شمارد، آن را به تدریج تولید می‌کند و به طور قطع زمانی که بر آن مسلط می‌شود آن را تصرف می‌کند. از نقطه نظر تحلیلی، عمل فضایی یک جامعه از طریق رمزگشایی فضایش آشکار می‌شود. عمل فضایی در نظام نو سرمایه‌داری چیست؟ پیوندی تنگاتنگ در چارچوب فضای متصور بین واقعیت روزمره (کار روزمره) و واقعیت شهری (مسیرها و شبکه‌هایی که مکان‌های اختصاص داده شده به کار، زندگی خصوصی و اوقات فراغت) را در برمی‌گیرد. این پیوند، پیوندی تناقض آمیز است، زیرا شامل دورترین فاصله بین مکان‌هایی که آن‌ها را به هم متصل می‌کند، می‌شود (لوفور، ۱۳۹۱: ۷۲ - ۷۱). عمل فضایی جامعه از نقطه نظر تحلیلی، از رمزگشایی همان فضا هویدا می‌شوند. در فضای مدرن تحت سرمایه‌داری، امور تکراری زندگی هر روزه؛ مسیرها، شبکه‌ها، محل‌های کار، زندگی خصوصی، لذت‌های تفریحی امر شهری جزء مواردی هستند که باید رمزگذاری گردند (مریفیلد، ۲۰۱۶: ۱۱۰).</p>	<p>عمل (پراکتیس) فضایی (Spatial practice)</p>
<p>«بازنمودهای فضا یا روابط تولید و با نظمی که آن روابط برقرار می‌کنند، مرتبط با معرفت، نشانه‌ها، رمزا و روابط مستقیم هستند. بازنمودهای فضا یعنی فضای متصور، فضای دانشمندان، طراحان، شهرگراها، توسعه‌دهندگان (زمین) فن سالار و مهندسان اجتماعی، نوعی از هنرمند با گرایش علمی - همه آنچه را زیسته و محسوس است با آنچه متصور است یکی می‌دانند. این فضا، فضای مسلط در هر جامعه (شیوه تولید) است. دریافت‌ها از فضا، با استثناهایی گرایش به یک نظام نشانه‌های زبانی (و بنابراین به لحاظ فکری اندیشیده شده) دارد» (لوفور، ۱۳۹۱: ۷۲ - ۷۱). بازنمود فضا در سطح گفت‌وگو و سخن تکوین می‌یابند و شکل کلامی و لفظی، نظیر توصیفات، تعاریف و به خصوص نظریات علمی درباره فضا به خود می‌گیرند. لوفور علاوه بر این موضوعات، نقشه‌ها، طرح‌ها و اطلاعات درون عکس را به عنوان دال، میان سایر بازنمودها فضا محسوب می‌کند (اشמיד، ۲۰۰۸).</p>	<p>بازنمودهای (بازنمایی‌های) فضا Representation of (space)</p>
<p>«فضاهای بازنمود که نمادپردازی‌هایی پیچیده و بخش پنهان و زیرزمینی زندگی اجتماعی و هنر را دربرمی‌گیرد. این فضا به مثابه فضای ساکنان و کاربران مستقیماً از راه تصاویر و نمادها نمود می‌یابد، همین‌طور فضای هنرمندان و شاید فضای آن‌هایی، نظیر معدودی نویسنده و فیلسوف که توصیف می‌کنند و سودای چیزی بیش از توصیف کردن در سر ندارند. این فضای مسلط - و در نتیجه فضای منفعلانه تجربه شده - است که قدرت تحیل می‌خواهد آن را تغییر دهد. روی فضای فیزیکی را می‌پوشاند و از ابژه‌هایش استفاده نمادین می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت فضاهای بازنمودی، ولی بازم با استثناهایی، کم‌وبیش به نظام‌های منسجم نمادها و نشانه‌های غیرزبانی گرایش دارند» (لوفور، ۱۳۹۱، ص. ۷۲ - ۷۱). فضاهای بازنمود، بعد نمادین فضا هستند. این بعد تولید فضا به فرآیند دلالت آوری اشاره دارد که خود را به نماد (مادی) مرتبط می‌سازد.</p>	<p>فضاهای بازنمود (بازنمایی) Representational (spaces)</p>

یعنی کالایی کردن فضا (قراردادن فضا درون روابط هندسی سود و زیان، تعیین روابط مختلف مالکیت و بازارهای مستغلات در سطح زمین) و بوروکراتیزه کردن فضا (نظارت عالی توسط سازمان‌های اطلاعاتی)، فضا را از آن خود می‌کنند (شکل ۱).

به طور کلی می‌توان گفت که دو عامل اساسی اقتصاد و دولت در جهت‌دهی فضاهای معقول تأثیر گذارند که اقتصاد درون فضای محسوس به عنوان بی‌واسطه‌ترین عامل عمل می‌کند. از سوی دیگر، منافع فضای معقول نیز سبب می‌شود که از این ابزار به سود خودش بهره‌مند شود. این عامل از دو طریق



شکل ۱. روابط میان سه گانه فضایی لوفور

ماخذ: (جوان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۴)

جایگزین می‌کنند که درعین حال خیلی منطقی نبوده و خیلی ارتجاعی هستند (لوفور، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۱). روی^۱ استدلال می‌کند که زیست غیررسمی شهری و حالت استثنایی که آن را در برمی‌گیرد، توسط دولت تولید شده است و برنامه‌ریزی در این امر نقش دارد (روی^۲، ۲۰۰۵). ساکنان این محلات که در این فرآیند اغلب به عنوان مشکل و بیماری جامعه تلقی می‌شوند؛ از نظر اقتصادی ادغام، از نظر اجتماعی طرد، از نظر سیاسی سرکوب و از نظر فرهنگی انگ می‌خورند (واکانت^۳، ۲۰۰۸). از این روست که

لوفور در این رابطه بیان می‌دارد که در ارتباط با شهر و ضماش (بیرون شهرها، حومه‌ها) گاهی صحبت از آسیب‌شناسی فضا، از محله‌های بیمار و غیره می‌شنویم. این نوع عبارت‌پردازی کار را برای کسانی که از آن استفاده می‌کنند - معماران، شهرسازان و برنامه‌ریزان - تا بگویند که در واقع پزشک فضا هستند، آسان می‌سازد. این حمایت کردن از گسترش مفاهیم به‌خصوص اسرارآمیز و به‌ویژه این مفهوم است که شهر محصول نظام سرمایه‌داری و نو سرمایه‌داری نیست بلکه محصول بیماری عرفی جامعه است. این صورت‌بندی‌ها توجه را از انتقاد از فضا منحرف و تحلیل انتقادی را با مفاهیم کلی

1. Ananya Roy
2. Roy
3. Wacquant

جانيس پرلن نیز ابراز می کند که ساکنان فاولاها از نظر سیاسی و اقتصادی حاشیه ای نیستند اما سرکوب و محروم شده اند، از نظر اجتماعی و فرهنگی حاشیه ای نیستند بلکه از یک نظام طبقاتی داغ ننگ کشیده اند و برکنار مانده اند (ایراندوست، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۲). تبیین تولید فضای غیررسمی برپایه ی نظر لوفور به گونه ای تبیین شده که فضا محصول ترکیب فرهنگ، مصالح، مکان و معماری بوده و بنابراین یک محصول پیچیده است. از آنجایی که عمل فضایی (محسوس یا دریافته)، فضای پنداشته (بازنمایی فضا) و فضای زیسته تغییرپذیر هستند (برحسب ماهیت، صلاحیت معماران و برنامه ریزان و نهایتاً استفاده کنندگان یا کاربران)، پس هر بار نوع فضای تولیدشده متفاوت خواهد بود. روابط بین حالت های مختلف تولید فضای باید مورد توجه قرار گیرد. اگرچه این روابط غیرقابل اندازه گیری و بسیار پیچیده هستند اما نتایج آن را می توان در قالب چهار فضای اتویایی^۱ (برابری سه لحظه فضایی)، فضای عام^۲ (جایی که فضای دریافته و محسوس از فضاهای پنداشته و زیسته برجسته تر است و دارای برخی کیفیات معمارانه باشد)، فضای موزه ای^۳ (جایی که فضای پنداشته بر هر دو فضای دریافته و زیسته غلبه یافته، هر چند فضای دریافته ممکن است برجسته تر و مهم تر از فضای زیسته باشد) و فضای غیررسمی^۴ (فضای زیسته تا حد زیادی بر فضاهای دیگر غالب است. برای زندگی روزمره و عمل) دسته بندی کرد.

در هریک از این فضاها سه گانه ی فضایی شامل سه فضای مطرح شده متفاوت است. در فضای غیررسمی روابط اجتماعی بسیار به هم پیوسته هستند به همین دلیل است که وقتی به سکونتگاه های خودانگیخته ی شهری می رویم، مردمی را می یابیم که در کوچه و خیابان روزگار می گذرانند. اهمیت فضاهای عمل فضایی و بازنمایی های فضا حداقل بوده و گاهی در مقایسه با فضای زیسته اصلاً وجود ندارند. به این دلیل که فضاهای غیررسمی معمولاً توسط ساکنان صاحب آن طراحی و ساخته می شود. این نوع فضا می تواند همچون سیستمی باشد که هرکسی به دیگران کمک کرده و به آنها وابسته است. به همین دلیل معمولاً خودکفا است (محمود و عبدالرحمن^۵، ۲۰۱۶، ص. ۱۲۲-۱۲۰).

یوسف جبارین نیز استدلال می کند که زیست غیررسمی شهری یکی از حالت های غیررسمی تولید فضا است که همچون فضای اجتماعی شامل سه گانه فضای دریافته، فضای پنداشته و فضای زیسته است:

• زیست غیررسمی شهری همچون یک فضای دریافته و محسوس: یک فضای کالبدی محسوس که دارای یک منطق فضایی سازمانی (خاص خود) است که قابل مشاهده و خوانا می باشد و سازمان فضای پرکتیس های اجتماعی را منعکس می کند و بازتابی از طراحی و شکل دهی ساختمان ها، محلات و فضاهای شهری است. چنین پرکتیس (عمل) های فضایی، زندگی روزمره و واقعیت شهری گسترده تر را شکل می دهند. زیست غیررسمی

1. Utopian Space
2. Generic Space
3. Museum Space
4. Informal Space

مردم با توجه به عرف نانوشته آن را مدیریت می‌کنند (جبارین^۳، ۲۰۱۴). از دیدگاه مریفیلد فضای زیسته توسط نمادها و کالبد آن برای ساکنان و کاربران تجربه می‌شود و برای ساکنان محلات خودانگیخته از اهمیت بیشتری برخوردار است. پرکتیس فضایی و بازنمایی فضا تنها به وسیله ادارک و مداخله‌هایی توسط گروه‌های فن‌سالار و دولتی به منظور غصب صورت گرفته است (مریفیلد^۴، ۲۰۱۱) اما فضای بازنمایی حاصل تجربیات مستقیم ساکنان و به قول لوفور انتزاعی انضمامی است و محل مقاومت در برابر دو فضای پیشین است. با این نگرش برداشت از سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری با دیدی یکپارچه از سه لحظه‌ی فضای پنداشته، فضای دریافته و فضای زیسته قابل برداشت است؛ این در صورتی است که وزن هریک از این لحظه‌ها در فضاهای مختلف (فضاهای اتوپایی، فضاهای عام و فضاهای موزه‌ای و فضاهای غیررسمی) متفاوت است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش نخست به بررسی وضعیت تأثیر ساختار کلان بر سطح خرد پرداخته شده است و سپس تا سطح خرد یعنی عوامل آن مورد بررسی قرار گرفته؛ در حقیقت هیچ پژوهشی امکان دستیابی به واقعیت را نداشته مگر آنکه تمام سه لایه‌ی سطوح

نه توسط نهادهای رسمی دولتی بلکه توسط مردم و اجتماعاتی که معمولاً طرد شده‌اند همچون مهاجران و فقرا خلق می‌شود. راکوفسکی زیست غیررسمی را ناشی از ماهیت توسعه سرمایه‌داری دانسته و یفتاچل^۱ و یاکوبی^۲ معتقدند که دولت و سیاست‌هایش پارادوکس پیدایش زیست غیررسمی شهری را افزایش می‌دهد.

- زیست غیررسمی شهری به‌مثابه فضای پنداشته: زیست غیررسمی شهری توسط مردم برنامه‌ریزی، طراحی و تولید شده است نه برنامه‌ریزان، طراحان یا کارشناسان دولتی و حکومت ملی. برنامه فضاهای رسمی به لحاظ قانونی مورد تأیید دولت است و به‌وسیله مهندسان و کارشناسان فضایی تصور و طراحی شده و فضاهای غیررسمی منتج از ایدئولوژی و دانش طراحی توسط ساکنان خود است.
- زیست غیررسمی به‌عنوان فضای زیسته: یک فضای غیررسمی ساخته، طراحی و تجربه شده از طریق عرف فرهنگی مردم است و به‌صورت اجتماعی و فرهنگی ساخته شده و لزوماً یک تولید فضایی پراکنده و غیرمنطقی نیست. رسوم فرهنگی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در تولید و تجربه زیست غیررسمی شهری است. براین اساس زیست غیررسمی یک فضای سازماندهی شده اجتماعی و فرهنگی است و

3. Jabareen
4. Merrifield

1. Oren Yiftachel
2. Yakobi

غیررسمی در شهر سنندج مورد ارزیابی قرار گرفت. نخست به تحلیل فضای پنداشته (عمل فضایی) پرداخته شده است. در ابتدا طرح‌ها و برنامه‌های شهر سنندج و استان که بر ساختار فضایی و سیاست-گذاری بر شهر مؤثر بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفت سپس به تحلیل دیدگاه‌های گروه‌های فن‌سالار از طریق اسناد و مصاحبه با این گروه‌ها و در قالب نوشتارهای آنان در روزنامه صورت گرفت. در راستای تحلیل فضای دریافته (بازنمایی فضایی) شامل فضای موجود و اقدامات صورت گرفته در این سکونتگاه‌ها اقدامات اجرایی در سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری توسط سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد بررسی شد. در نهایت فضای زیسته به عنوان مهم‌ترین فضا در سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری با استفاده از مصاحبه با ساکنان سه لایه‌ی فضایی شهر سنندج و مشاهده و مقایسه دو فضای دیگر با زندگی ساکنان این سکونتگاه‌ها تحلیل و ارزیابی شد. آمارهای سه‌لایه‌ی فضایی از سرشماری-های نفوس و مسکن استخراج شده است.

اصلی بین‌الملل، ملی و محلی به صورت پیوستار مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا در چارچوب نظریه تولید فضای هانری لوفور و سه وجه فضایی مطرح‌شده توسط وی به صورت دیدگاهی یکتا از فضا، مسئله زیست‌غیررسمی شهری مورد بررسی قرار گرفت؛ چراکه در نتیجه‌ی چنین دیدگاهی، نفوذ به لایه‌های زیرین واقعیت امکان‌پذیر است و این نیز خود به واسطه‌ی نوعی اندیشه‌ورزی ممکن است که صرفاً دربند پدیدارها و نمودهای مسئله نماند، بلکه بتواند با ژرفکاوای لایه‌های زیرین پدیدارها را بشکافد و سازوکارها، نیروها و گرایش‌های ساختاری یک مسئله را شناسایی، تبیین و مفهوم‌پردازی کند. یک مفهوم‌پردازی واقعی، نمی‌تواند صرفاً به نتایج، پیامدها، نمودها و امور جزئی محدود بماند بلکه مهم‌تر از آن، باید بتواند پیوند این امور جزئی را با امور کلی‌تر شرح دهد و برهم‌کنش میان آن‌ها را تصویر کند. پس از بررسی مبانی نظری پژوهش با استخراج نحوه ارزیابی سه وجه تولید فضای غیررسمی و دید به سه سطح بین‌الملل، ملی و محلی، وضعیت تولید فضای



شکل ۲. سه لحظه‌ی فضایی در بررسی سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری

مأخذ: (برداشتی از جبارین، ۲۰۱۴ با تکمیل نگارندگان)

۳. منازعه بر سر تولید فضای غیررسمی در شهر

سنندج

۱.۳. پیشینه و لایه شناسی فضای غیررسمی

در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران، بسترهای اجتماعی سرمایه‌داری وجود نداشت بلکه گرایش این کشورها به سوی سرمایه‌داری یک امر گزینشی و فرمایشی بوده است (نوروز، ۱۳۸۱، ص. ۱۳-۱۲). در حقیقت روال سرمایه‌داری در خاورمیانه و بالطبع در ایران بیشتر ناشی از شرایط بیرونی و به صورت برون‌زا «بیش از آنکه از ثروت به قدرت بیانجامد، از قدرت به ثروت انجامیده است» (بیل، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۵). ایران از دوران پهلوی اول به بعد، شاهد تمرکزگرایی، وابستگی به نفت و ادغام در سرمایه‌داری جهانی بوده است. در این دوران نگرش از بالا به پایین، استفاده از الگوهای توسعه برون‌زا (الگوهای آلمانی) و عدم انطباق آن با شرایط کشور موجب از هم گسیختگی نظام اجتماعی - اقتصادی در ایران شد. مسئله‌ای که در دوران پهلوی دوم با غلبه الگوی آمریکایی همچون سیاست قطب‌های رشد، اصلاحات ارضی، ایجاد صنایع مونتاژ در اطراف شهرهای بزرگ و گذار از اقتصاد کارگاهی به کارخانه‌ای تداوم یافت (اویسی، ۱۳۸۶؛ شریفی، ۱۳۹۱؛ هادی زنوز، ۱۳۸۴؛ شهبازی، ۱۳۸۷؛ حبیبی، ۱۳۸۷). با فروپاشی رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی سه تحول عمده در رابطه دولت و طبقه سرمایه‌دار رخ داد: تضعیف شدید بورژوازی صنعتی مدرن، گسترش شدید مالکیت دولتی و شبه‌دولتی و افزایش نفوذ سیاسی بخشی از بورژوازی تجاری

ستی در عین کاهش استقلال بازار سنتی (دلفروز، ۱۳۹۳، ص. ۳۱۱). در واقع باروی کار آمدن دولت سازندگی، سیاست‌های تعدیل اقتصادی و ساختاری مورد توجه قرار گرفت. این سیاست‌های در دولت‌های بعدی نیز در قالب سیاست‌هایی همچون خصوصی‌سازی، مقررات زدایی استمرار یافت و موجب تشدید نابرابری و شکاف طبقاتی و گسترش فقر شهری در ایران شد به طوری که امروزه بیش از ۳۰ درصد جمعیت ایران در سکونتگاه‌های حاشیه شهرها زندگی می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۴، ص. ۵۰). در چنین شرایطی مراکز استان به ویژه استان‌های دارای پسرکانه روستایی پرجمعیت با رشد جمعیت به ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی روبرو شدند. با روی کار آمدن رضاخان (۱۳۰۵-۱۳۲۰ ه.ش) و پایه گذاری مدرنیزاسیون مطلقه‌ی پهلوی و ورود طرح‌ها و سیاست‌های برون‌زا به ایران تأثیر فراوانی بر مراکز استان و به ویژه شهر سنندج داشت. در این دوران ساختار متمرکز قدرت و مدیریت شهری با القای اجرای خیابان‌های صلیبی در مراکز شهری با هدف کارکردگرایی بیشتر شهرها، بافت شهر سنتی سنندج را دچار دگرگونی عمده‌ای از نظر ساختار فضایی-کالبدی ساخت. کردستان در سال ۱۳۳۷ براساس مصوبه هیئت وزیران از استان پنجم (کرمانشاهان) جدا شد و شهر سنندج مرکز آن قرار گرفت. این امر را می‌توان آغاز تمرکز اداری و اجرایی در این شهر نسبت به استان دانست که با اثرگذاری اقتصادی از این دهه مسائل و چالش‌های شهر شروع به شکل‌گیری کرد.

در این دوران در سال ۱۳۴۱ با انتشار آگهی نوبت اول تسلیم اظهارنامه‌ی مالکان مناطق سنندج و قروه آغاز شد. این دو شهرستان دارای ۷۷۴ روستا بودند که از این تعداد ۴۶۰ روستا، به موجب قوانین مرحله‌ی اول مشمول تقسیم شدند. پس از گذشت یک سال از آغاز اجرای اصلاحات ارضی در شهرستان سنندج، تعداد ۳۴ روستای شش دانگ و ۸۹۰ روستای کمتر از شش دانگ به دولت منتقل و از این تعداد، ۳۱ روستای شش دانگ و ۲۹ روستای کمتر از شش دانگ میان زارعان تقسیم شد (رعناپی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳). درحقیقت اصلاحات ارضی در این منطقه به دلیل آنکه زمین تنها یکی از منابع مهم مالی آن‌ها محسوب می‌شد موجب کاسته شدن از شدت مقاومت در برابر ورود این سیاست شد (همان: ۲۰).

با شروع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و شعار مستضعف‌گرایی برآمده از آرمان‌های انقلاب و افزایش تمرکزگرایی در شهرها مهاجرت به شهرها افزایش یافت. در این دوران با وقوع جنگ تحمیلی در ایران و بالخصوص غرب کشور مهاجرت‌های بسیاری از شهرهای مرزی چون بانه و بالخصوص مریوان به مرکز استان شد. این امر را می‌توان به دلیل وجود تسهیلات اولیه به ساکنان و علاوه بر آن دوری از شرایط جنگی و نیاز به وجود فرماندهان در مراکز شهری دانست. در این دوران جمعیت شهری استان و به‌علاوه جمعیت شهر سنندج با نرخ رشدی به ترتیب ۵۹/۱۱ و ۵/۸ درصد به شدت افزایش یافت (جدول ۲).

شهر سنندج پیش از انقلاب اسلامی و در دوران پهلوی دوم، به‌عنوان یکی از پنج شهر پایلوت ایران در خصوص طرح‌ها و برنامه‌هایی که توسط رئیس‌جمهور آمریکا پس از جنگ دوم جهانی برای سامان دادن به کشورهای خسارت‌دیده بانام اصل چهار ترومن در شهرهای کشورهای درحال توسعه رواج یافت و توسط سربازان صلح در دستور کار قرار گرفت، در نظر گرفته شد.

چنین طرح‌هایی با ذهنیت جلوگیری از نفوذ کمونیسم شوروی به این کشورها ازجمله ایران مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، طرح در سال ۱۳۳۷ طرح آلتون توسط مهندسین مشاور آمریکایی در شهر سنندج تهیه و با دیدگاهی بالا به پایین، موجب مداخلاتی در بافت شهری شد.

با بررسی هریک از این طرح‌ها می‌توان به این مسئله پی‌برد که تهیه چنین طرح‌هایی انتزاعی جدای از زندگی روزمره مردم به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد بوده و نظرات ساکنان شهر نیز موردتوجه نبوده است. این دگرگونی برآمده از رویکرد مدرنیزاسیون ایران با شروع اصلاحات ارضی و تمرکز بالای اقتصادی - سیاسی در مرکز استان، مهاجرت‌های روستایی منتج از دافعه‌های موجود در مناطق روستایی و جاذبه‌های شهری و متعاقباً طرح‌های توسعه شهری در دوره پهلوی دوم تسریع گردید. در حقیقت اصلاحات ارضی در کردستان نیز همانند دیگر استان‌های ایران با مخالفت‌های بسیاری همراه بود (مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران، سند شماره ۴۳۰۲۲ و ۲۳۲۰ و ۴۴۴۳۰).

جدول ۲. نسبت جمعیت شهری و روستایی شهرستان سنندج

۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵		
۴۱۴۰۶۹	۳۷۵۲۸۰	۳۱۸۰۹۱	۲۷۷۸۰۸	۲۳۹۸۸۹	۱۰۱۸۱۳	۵۴۵۷۸	تعداد	مناطق شهری
۸۲/۵۸	۸۳/۳۶	۷۶/۲۴	۷۷/۱۷	۵۹/۱۱	۳۸/۶	۲۶/۴	درصد	
۸۷۳۳۱	۷۴۸۸۷	۹۹۰۸۶	۸۲۱۸۲	۱۶۵۹۱۲	۱۶۲۲۸۹	۱۵۰۶۶۴	تعداد	مناطق روستایی
۱۷/۴۲	۱۶/۶۴	۲۳/۷۶	۲۲/۸۳	۴۰/۸۹	۶۱/۴	۷۳/۶	درصد	
۵۰۱۴۰۲	۴۵۰۱۶۷	۴۱۷۱۷۷	۳۵۹۹۹۰	۴۰۵۸۰۱	۲۶۴۱۰۲	۲۰۵۲۴۲	مجموع	

ماخذ: (سرشماری نفوس و مسکن، شناسنامه آبادی‌ها، ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰)

نامنعطف کاربری زمین و ضوابط در شهر موجب توسعه فیزیکی شهر به گونه‌ای بسته به شرایط گروه-های درآمدی مختلف شده است. نکته جالب توجه در این شهر سکونت بیش از ۵۳٫۳ درصد ساکنان (جمعیتی بالغ بر ۱۷۳۶۷۲ نفر) در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری می‌باشد که ۱۵٫۱ درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص داده‌اند (Alaedini & Fardanesh, 2014: 127).

سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج از دولایه اصلی شکل گرفته‌اند. لایه نخست شامل لایه درون شهری و تثبیت شده است که خاستگاه آن‌ها به دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ بازمی‌گردد و امروزه به‌عنوان بافت فرسوده میانی در شهر به شمار می‌رود که شامل مناطق حاجی‌آباد، کانی‌کوزله، فرجه، غفور، تقه‌تقان، عباس‌آباد و کمربندی و ... می‌شود.

لایه دوم شامل سکونتگاه‌های با پیشینه روستایی واقع در حریم شهر سنندج شامل نایسر، حسن‌آباد، گریزه و نله می‌شود که امروزه به‌عنوان نواحی

پس از این با روی کار آمدن دولت سازندگی و توسعه، زمینه‌ی ورود سیاست‌های نئولیبرال بیش از پیش با ورود صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ایران مهیا شد. پس از این دوران بود که در سال ۱۳۸۳ برای نخستین بار پروژه‌های توانمندسازی بانک جهانی در ایران اجرا شد.

شهر سنندج نیز به عنوان یکی از پایلوت‌های اجرای این طرح‌ها انتخاب شد. در این گذار؛ در سال ۱۳۸۵ پروژه‌ی مسکن مهر در شهر سنندج کلید خورد و تا به امروز نیز ادامه دارد.

در حقیقت سیاست تمرکزگرایی دولت در شهر سنندج از عوامل مهم جذب جمعیت (در کنار سایر عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی) بوده است.

در سال ۱۳۴۵، ۲۶٫۴ درصد در مناطق شهری شهرستان سنندج زندگی می‌کردند که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۸۳٫۳۶ درصد رسیده است (سالنامه آبادی شهرستان سنندج، ۱۳۴۵ و ۱۳۹۰). این سیاست در کنار قرارگیری شهر در چاله فضایی^۱ و نظام

محصور گردد و شبکه‌های ارتباطی اصلی و فرعی و قرارگیری محلات بر روی دامنه تپه‌ها به تبعیت از شیب زمین بوده است (نجف‌آبادی و یوسفی، ۱۳۹۲: ۸۹).

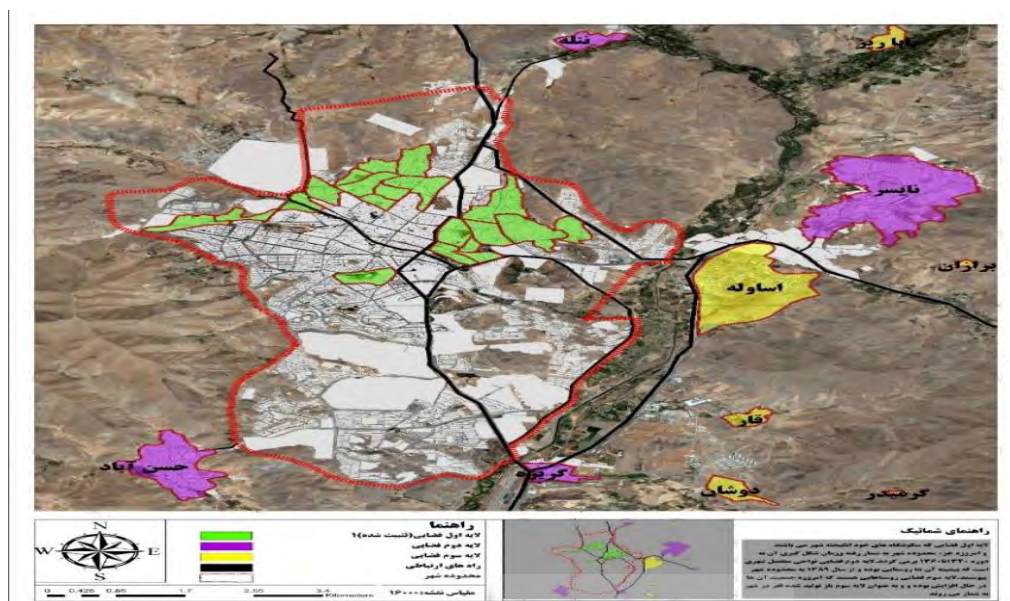
۱. وضعیت توپوگرافی شهر سنندج با توجه به کوه‌های اطراف آن باعث شده که شهر به صورت طبیعی در یک جام فضایی

منفصل شهری شناخته می‌شوند و جمعیتی بیش از ۴۸ هزار نفر دارد. این نواحی از سال ۱۳۸۹ به شهر سندج الحاق گردیده‌اند؛ اما لایه سوم نیز در اطراف شهر با وجود اراضی بایر درون شهر (بیش از ۱۰۰ هزار هکتار) در حال شکل‌گیری است و شامل روستاهای اطراف بوده که جمعیت آن‌ها در حال افزایش است؛ از جمله این روستاها آساوله، قار، دوشان، برازان، سرخه دزج، باباریز و قلیان است که در حدود ۱۴ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. جمعیت سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهر سندج

محل	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	
لایه نخست	حاجی‌آباد	۱۲۱۰	۱۷۶۰	۹۵۴۵	۱۲۹۶۳	۱۷۶۰۴	۱۶۰۵۴
	فرجه	-	-	۴۵۰۰	۵۷۴۴	۷۳۳۱	۸۲۱۰
	غفور	-	-	۵۶۸۷	۷۷۱۷	۱۰۴۷۱	۹۵۷۲
	شهدا	۸۲۵	۶۹۲۶	۱۶۳۷۰	۲۱۹۶۰	۲۹۴۸۵	۲۷۹۶۳
	پیرمحمد و بهارمست	-	۱۲۹۲۰	۱۶۱۰۰	۲۰۶۳۰	۲۶۴۳۴	۲۸۱۳۰
	گلشن	-	۵۹۰	۷۰۲۱	۸۳۰۵	۹۸۲۳	۱۰۵۱۸
	تفتقان	-	-	۴۶۰۰	۵۹۷۷	۷۷۶۶	۸۰۱۶
	اسلام‌آباد	-	-	۲۰۳۵	۲۸۴۰	۳۹۶۳	۴۰۵۷
	عباس‌آباد	-	-	۳۰۳۹۷	۴۱۲۸۹	۵۶۰۸۳	۶۳۱۴۹
	نایسر	۳۴۸	۳۵۳	۴۴۶	۹۳۸	۱۲۴۸۰	۲۶۲۴۲
لایه دوم	ننله	۱۱۶	۱۴۹	۱۹۰	۷۱۱	۴۲۱۴	۶۸۳۱
	حسن‌آباد	۱۱۶۸	۱۴۴۰	۱۷۵۴	۲۹۵۶	۷۵۱۴	۱۱۶۹۳
	گریزه	۱۰۳	۹۵	۲۴۱	۴۴۶	۱۴۳۳	۳۵۴۳
	آساوله	-	۱۱۰	۲۰۸	۵۲۳	۱۱۰۸	۳۳۸۲
لایه سوم	قار	-	۳۴۱	۴۸۹	۱۱۰۸	۱۱۰۱	۱۳۸۶
	دوشان	-	۵۲۵	۷۹۰	۱۱۰۲	۲۱۶۵	۴۰۸۵
	برازان	-	۱۶۱	۱۹۲	۲۰۳	۲۹۲	۳۷۸
	باباریز	-	۹۹۰	۱۱۰۱	۱۲۵۵	۱۵۵۵	۱۸۴۳
	قلیان	-	۵۲۹	۶۷۰	۱۰۳۷	۱۲۸۳	۱۸۳۱

ماخذ: (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸: ۸ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰)



شکل ۳. سه لایه زیست غیررسمی در شهر سنندج

همچون ایجاد بانکها در خیابانهای اصلی، جدایی گرینیهای فضایی، احداث پارکها و شهرکهای مختلف و مسیرهایی که آنها را به یکدیگر متصل می کند خود را در قالب عملیاتهای متفاوت اجرایی در عرصه سکونتگاههای خودانگیخته شهری از سوی سازمانهای مختلف به نمایش گذاشته است.

در دورههای متفاوت اقدامات مختلفی با دیدگاهی بالا به پایین و قیّم مآبانه صورت گرفته است؛ از جمله- ی این اقدامات می توان از برنامه های اجرایی بانک جهانی (که می توان آنها را در قالب روابط میان سه سطح بین المللی، ملی و محلی در نظر گرفت) در شهر سنندج تا اقداماتی که امروزه به ویژه در نواحی منفصل شهری همچون آسفالت معابر، ایجاد پارکها و زیرساختهای اساسی در جریان است؛ اشاره کرد (جدول ۴).

۲.۳. تحلیل فرایند تولید فضای غیررسمی، در

چارچوب فضای سه گانه ی لوفر

در ابتدا عمل فضایی در قالب اقدامات صورت گرفته و واقعیات زندگی روزمره بررسی شده است. سپس به بررسی بازنماییهای فضا و طرحها و برنامه های انتزاعی پرداخته شد. در نهایت بعد سوم یعنی همان فضای زیسته ساکنان مورد بررسی قرار گرفته است. باید توجه داشت که این سه وجه جدا از یکدیگر نبوده و بنابر دیدگاه لوفور به صورت درهم تنیده و دیالکتیکی به هم مرتبط و بر یکدیگر اثرگذار هستند.

۱.۲.۳ عمل (پرکتیس) فضایی و کلان به این

برنامه هوننگاهیان، آساوله، دوشان، برازان و... نمایان ساخته استو روز به روز بر نرخ رشد این روستاها افزودهدر شهر سنندج

در چارچوب عمل فضایی در شهر سنندج علاوه بر ظواهر زندگی روزمره که بدیهی فرض می شود

جدول ۴. اقدامات صورت گرفته در شهر سنندج در دوران مختلف

ردیف	ارگان	اقدام صورت گرفته	مکان
۱	بانک جهانی	احداث، نوسازی و بهسازی مدارس	محلات عباس آباد، کانی کوزله، فرجه و تفتقان (لایه اول فضایی)
		ایجاد فضای سبز و احداث مراکز فرهنگی - هنری	محلات اسلام آباد، پارک لاله و فرجه (لایه اول فضایی)
		احداث و اصلاح شبکه معابر در محلات خودانگیخته شهری	معابر عباس آباد، تفتقان، اسلام آباد (لایه فضایی اول)
		بهبود و احداث شبکه برق و آب	تفتقان، اسلام آباد، عباس آباد و فرجه (لایه اول فضایی)
۲	شرکت بازآفرینی شهری ایران	احداث پروژه مدرسه	نایسر (لایه دوم فضایی) و مدرسه تفتقان و فرجه (لایه اول فضایی)
		پروژه احداث منبع ذخیره آب ۲۰۰۰ مترمکعبی	برازان (لایه سوم فضایی)
۳	موسسه خصوصی ژیار با همکاری شرکت بازآفرینی شهری ایران	کارآفرینی و ایجاد نهاد اقتصادی - اجتماعی زنان	نایسر و نله (لایه دوم فضایی)
۴	موسسه خصوصی کاردوک با همکاری شرکت بازآفرینی شهری	پروژه آموزش مهارت‌های پایه جهت ارتقای وضعیت معیشت و محیط	نایسر (لایه دوم فضایی)
۵	وزارت راه و شهرسازی، وزارت تعاون و بانک مسکن	احداث ۷۶۰۰ واحد مسکونی	شهرک بهاران
۶	وزارت راه و شهرسازی	الحاق ۴ روستاها به محدوده شهر	چهار ناحیه منفصل شهری نایسر، نله، حسن آباد و گریزه در سال ۱۳۸۹ به شهر الحاق شد (لایه دوم فضایی شهر)



شکل ۴. محل پروژه‌های اجرا شده توسط بانک جهانی با همکاری شرکت عمران و بهسازی شهری (در لایه فضایی اول سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری شهر سنندج)

جدایی طرح و برنامه و اقدام و عمل از زندگی روزمره ساکنان همواره مسئله‌ای اساسی مورد توجه بوده است؛ چراکه بازنمایی‌های فضا و عمل فضایی در ارتباط کامل با یکدیگر بوده و این دو از یکدیگر جدا نیستند و با تحمیل نظرات و اعمال خود، زندگی روزمره ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و البته ساکنان نیز در برابر چنین تولید فضای تحمیلی، فضای مورد نظر خود را خلق می‌کنند.

۲.۲.۳. بازنمایی‌های فضا در شهر سنندج

در چارچوب بازنمایی فضا به بررسی طرح‌ها و برنامه‌های مختلف اجرا شده در شهر سنندج و دیدگاه‌های گروه‌های فن‌سالار علمی و دولتی و دید هریک به مسئله از طریق مصاحبه پرداخته شده است. شهر سنندج پیش از انقلاب اسلامی و در دوران پهلوی دوم، به‌عنوان یکی از پنج شهر پایلوت ایران در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با اصل چهار ترومن و ورود سربازان صلح در نظر گرفته شد. در این راستا، در سال ۱۳۳۷ طرح آلتون در قالب اصل چهارم ترومن توسط مهندسین مشاور آمریکایی در شهر سنندج تهیه و با دیدگاهی بالا به پایین، موجب مداخلاتی در بافت شهری شد. تهیه چنین طرح‌هایی جدای از زندگی روزمره ساکنان به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد بوده و نظرات ساکنان شهر نیز مورد توجه نبوده است.

در این دوران هسته شکل‌گیری نخستین سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری شکل گرفت. این سکونتگاه‌ها بیشتر به‌صورت خودرو در دامنه و بالای تپه‌های درون و بیرون شهری و نقاطی دارای وضعیت ناروشن مالکیت و بدون نظارت مانند

حاجی‌آباد، غفور در ضلع جنوبی شهر، محلات ضلع شمالی میدان نبوت، گلشن، عباس‌آباد، تقشقان، کانی کوزله شکل گرفتند. پس از انقلاب به جزء چند سال نخست، به دلیل تغییر و تحولات انقلابی، با تغییر روبناهای ایدئولوژیکی و دگرگونی نهادها یا دستگاه‌های سیاسی همان دیدگاه بروکراتیک، بخشی‌نگر و بالا به پایین استمرار یافت و طرح‌های متفاوتی در سطوح مختلف تهیه شد (جدول ۴). چنین طرح‌هایی انتزاعی با نگرشی از بالا به پایین و عدم توجه به گروه‌های کم‌درآمد شهری تهیه شد که می‌تواند به عنوان یکی از عوامل به حاشیه‌رانده شدن فقرا به حساب آید. به‌عنوان مثال در طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهر سنندج نواحی منفصل شهری شهر سنندج شامل نایسر (لایه دوم فضایی) و ننه که از سال ۱۳۸۹ تاکنون به‌عنوان محدوده شهر سنندج شناخته می‌شوند را در حوزه نفوذ دهستان حومه در نظر گرفته است و این نشان از غلبه دیدگاه انتزاعی طرح‌ها و بی‌توجهی به واقعیات پنهان زندگی روزمره ساکنان است. همچنین ضوابط و مقررات نامنعطف طرح‌های جامع و تفصیلی و عدم انطباق آن‌ها با وضعیت گروه‌های درآمدی مختلف موجب زیست ساکنان در خارج از محدوده شهر شده است و این امر خود به بازتولید فضاهای حاشیه‌ای به‌عنوان مکمل فضای رسمی و برنامه‌ریزی‌شده دامن زده است. در حقیقت طرح‌هایی که امروزه به‌عنوان راه‌حل مسئله شناخته شده‌اند و جدا از واقعیات زندگی روزمره ساکنان و بیشتر به‌صورت انتزاعی می‌باشند، خود موجب گسترده شدن ابعاد مسئله شده است و روز به روز به گسترش لایه‌ی دوم

شهر به عنوان نواحی منفصل شهری (نایسر، گریزه، حسن آباد و نله) در سال ۱۳۸۹ اضافه شدند، اما همچنان پذیرای مهاجرین درون و برون شهری هستند و ساخت و ساز در آنها اکثراً به صورت خودانگیخته انجام می‌شود.

تجربه دهه‌های مختلف نشان داده است تداوم چنین دیدگاه‌هایی در شهر سنندج بار دیگر به بازتولید لایه سوم سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در روستاهای اطراف شهر چون قلیان، آساوله، دوشان، برازان و... منجر خواهد شد.

سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری دامن زده‌اند. با محدودیت‌های توسعه کالبدی شهر و سایر دافع‌های اقتصادی و اجتماعی ساخت و ساز رسمی در محدوده شهر، نوعی دیگری از سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر سنندج نهادینه شده که عینیت کالبدی آن را می‌توان در روستاهای لایه دوم با فاصله تقریبی ۵ تا ۷ کیلومتر از شهر سنندج مورد توجه قرار داد. این روستاها شامل نایسر، آساوله، قار، دوشان، گریزه، حسن آباد، سوره زه، نله و باباریز هستند (شکل ۳) علارغم اینکه تعدادی از آنها به محدوده

جدول ۵. بررسی برنامه‌های دولتی در قالب بررسی وضعیت سکونتگاه‌های خودانگیخته در این طرح‌ها

برنامه‌ها در راستای سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری	طرح‌ها	
در طرح آلتون معابری برای شهر پیشنهاد می‌شود که امروزه اغلب آن‌ها اجرا شده است (با دیدگاه مدرنیزاسیون).	طرح آلتون (۱۳۳۷)	۱
در این طرح به جزئیات به بخش‌های مختلف (به خصوص مسکن) بررسی شده است اما ذکر یک نکته در این طرح قابل توجه است و آن این که محله‌هایی چون عباس آباد و حاجی آباد که در دهه‌ی ۱۳۴۵ شکل گرفته‌اند، مورد توجه قرار نگرفته و علاوه بر آن در برنامه‌های پیشنهادی نیز به آن پرداخته نشده است.	طرح جامع مرجان (۱۳۵۲)	۲
تقویت بنیان‌های اقتصادی و زیرساختی مناطق محروم و در حاشیه مانده از فرآیند توسعه در شهر سنندج	طرح کالبدی زاگرس (۱۳۸۰)	۲
در این طرح دیدگاهی به سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری نداشته است و ارزش سکونتگاه‌های روستایی در اطراف شهرها (مانند نایسر، نله، حسن آباد، قلیان و...) را از نظر سلسله‌مراتب روستایی در سطح روستاهای دیگر منطقه در نظر گرفته است.	طرح توسعه استان (۱۳۸۳)	۳
<ul style="list-style-type: none"> • اعطای نقش ویژه کانون جمعیتی همکار برای سرریز جمعیت شهر سنندج و تبدیل شدن به یک مرکز اقتصادی • پشتیبان توسعه صنعتی شهر و به‌عنوان شهرک‌های خوابگاهی • به‌عنوان مکانی برای شهر جدید برای شهر سنندج 	طرح تجدیدنظر توسعه استان (۱۳۸۵)	۴
بر اساس این طرح روستاهای نایسر (لایه دوم فضایی)، قلیان، باباریز، نله و برازان (لایه سوم) شهر سنندج جز دهستان حومه در نظر گرفته شده که مرکزیت آن با روستای صلوات آباد بوده است. از طرف دیگر دوشان، قار و آساوله نیز از مناطق تحت حوزه نفوذ شهر سنندج در نظر گرفته نشده است.	طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهر سنندج (۱۳۸۴)	۵

ادامه جدول ۵

برنامه‌ها در راستای سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری	طرح‌ها	
در این طرح، ضوابط به صورت غیرمنقطع تدوین شده و دید به قشر متوسط و مرفه دارد. از طرف دیگر حد تفکیک قطعات برای گروه‌های فقیر در شهر اجازه خرید مسکن رسمی را نمی‌دهد و مجبور به خرید مسکن در خارج از بازار رسمی زمین و مسکن بوده‌اند. نکته قابل توجه دید این طرح به ناحیه‌های اطراف شهر (لایه دوم سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج) به عنوان روستا و عدم توجه به گسترش سریع آن‌ها در حریم شهر بوده است.	طرح جامع شهر سنندج (۱۳۸۳)	۶
<ul style="list-style-type: none"> در این طرح برنامه نوسازی، بهسازی و توانمندسازی برای بافت‌های لایه اول همچون جورآباد، تققان، عباس‌آباد، غفور و... در نظر گرفته شده است. در این طرح حداقل تفکیک قطعات در نواحی مفصل شهری (لایه دوم فضایی) را ۱۵۰ متر و در لایه نخست فضایی ۱۸۰ متر در نظر گرفته است. این طرح هیچ‌گونه دیدگاهی به قشر فقیر نداشته است. 	طرح تفصیلی (۱۳۸۷)	۷
در این طرح محلات جورآباد، تازه‌آباد، پیرمحمد (لایه فضایی اول) جز بافت فرسوده و محلات عباس‌آباد و غفور (لایه فضایی اول) جز بافت حاشیه‌ای در نظر گرفته شده است و پایلوت طرح محله سرتپوله می‌باشد.	طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده (۱۳۸۸)	۸
<ul style="list-style-type: none"> تأکید طرح بیشتر بر جنبه‌های کالبدی بوده و از نظر اجتماعی و اقتصادی برنامه‌ای تدوین نشده است. 	طرح توانمندسازی اسکان- غیررسمی ناحیه مفصل شهری نایسر (۱۳۹۳)	۹
<ul style="list-style-type: none"> پیشنهاد طرح احداث ۶۰۴۴ واحد مسکونی در شهر بوده است که به مالکیت فرد درآمده و امکان انتقال وجود ندارد. بیش از ۶۰ درصد واحدهای مسکن مهرشهر سنندج اجاره داده شده است. 	طرح مسکن مهر (۱۳۸۸)	۱۰

قرار داده و بی‌توجه به نظرات ساکنان شهری و به صورت دستوری بر افزایش ارزش مبادله‌ای تمرکز کرده است. در این راستا تعریف کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون ماده ۵ و ماده ۱۰۰ فروش شهر را تسهیل کرده است.

همچنین جامعه فن‌سالار علمی و دولتی (با تقسیم‌بندی و تفکیک رشته‌های مختلف و عدم دید یکتا نسبت به فضا) نیز در بازتولید این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است. آن‌ها با تأکید بر مفاهیمی همچون برچسب حاشیه‌نشینی و غیررسمی بودن به ساکنانی که حتی برخی از آن‌ها با سابقه شهرنشینی به دلیل

در این میان مدیریت شهری نیز با حذف یا نادیده گرفتن دیدگاه‌های ریشه مبنای سعی دارد که مسائل را به ویژگی‌های درونی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری، توانمندی افراد و فارغ از دید به سطحی کلی‌تر یعنی سازوکارهای اقتصاد سیاسی فضا ربط داده و خود را بدون تقصیر و حتی منجی ساکنان آن‌ها جلوه دهد.

از طرف دیگر علاوه بر این طرح‌ها و برنامه‌ها و سازوکارهای مدیریتی در دهه ۱۳۷۰ به بعد و با مطرح شدن موضوع خودکفایی شهرداری‌ها با الگوبرداری از تهران، تراکم فروشی را در دستور کار

سازوکارهای تحمیلی مجبور به سکونت در چنین سکونتگاه‌هایی شده‌اند، به نوعی در بازتولید وضعیت موجود سهم دارند.

جدول ۶. دیدگاه‌های غالب فن‌سالاران دولتی در خصوص سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری

ردیف	گروه‌ها	نکات کلیدی نظرات فن‌سالاران دولتی و علمی	دال غالب
۱	نمایندگان مجلس	<ul style="list-style-type: none"> • ساخت و سازهای غیراصولی در شهر سنندج می‌تواند باعث لطمات زیادی شود • حاشیه‌نشینی پدیده‌ای بسیار مشکل‌زا برای مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ 	"حاشیه-نشینی"
۲	مدیران ارشد استان	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی (به صورت منحصر به فرد) راهکار از بین بردن این سکونتگاه‌ها • دفاتر تسهیل‌گری و نهادهای توسعه محلی از راهکارهای ساماندهی • تمایل بالای مشارکت ساکنان حاشیه‌نشین در شهرها به بهبود وضعیت زندگی کمک می‌کند • حل مسئله مالکیت از راه رسمی و قانونی • کم‌توجهی به روستاهای اطراف شهر از نظر کالبدی و اشتغال‌زایی و کارآفرینی از عوامل رشد حاشیه‌نشینی • خوانش نواحی منفصل شهری به عنوان چالش اصلی شهر سنندج به دلیل بی‌بهره شدن از خدمات روستایی و عدم توانایی خدمات رسانی شهرداری به این نواحی • الحاق روستاها به شهر از مشکلات اصلی شهر سنندج 	"سکونتگاه‌های غیررسمی" حاشیه-نشینی
۳	گروه‌های فن‌سالار علمی	<ul style="list-style-type: none"> • مهاجرت از روستا به شهر و از مرکز به حاشیه • قوانین دست و پاگیر مدیریت شهری • رهایی از هزینه‌ی سرسام‌آور ساخت و ساز در محدوده‌ی شهرها • از راهکارهای بهبود وضعیت حاشیه‌نشینی افزایش مشارکت است. 	"حاشیه-نشینی"

ماخذ: (وجدی، ۱۳۹۵ و قادری، ۱۳۹۵؛ زارعی، ۱۳۹۵؛ قرخلو و دیگران، ۱۳۸۸؛ ایران‌دوست و دیگران، ۱۳۹۲، علاء‌الدینی و غنی، ۱۳۸۹؛ قالیباف و همکاران، ۱۳۸۹؛ اقبالی و رحیمی، ۱۳۸۹؛ ایران‌دوست، ۱۳۹۱؛ مروتی، ۱۳۹۱).

علاوه بر گفتمان جامعه فن‌سالار علمی و دولتی در چارچوب بازنمایی فضایی جدیدترین اقدامات در شهر سنندج توسط دولت، طرح مسکن مهر است که به‌عنوان طرحی کلان‌مقیاس باهدف تهیه مسکن برای اقشار کم‌درآمد در نظر گرفته شد که البته نتوانست به گروه‌های هدف واقعی دست یابد. چنین اقداماتی که بانام تسهیلات دولت به گروه‌های کم‌درآمد شناخته می‌شوند و خود برحسب اهمیت‌شان دسته‌بندی می‌شوند، گتوهای گوناگونی

۳.۲.۳ فضای بازنمایی (زیسته) در شهر سنندج

در شهر سنندج با مقایسه بازنمایی‌های فضا و عمل فضایی با فضای زیسته ساکنان می‌توان به این نتیجه رسید که فقرا خود به ساماندهی وضعیت سکونت خود و مکان آن می‌پردازند و برنامه‌های صرف انتزاعی منسوخ هیچ‌گاه پاسخگوی وضعیت سکونت این قشر نخواهد بود. مقایسه‌ی سه لایه‌ی فضایی پیش‌گفته در شهر سنندج گویای این بحث است.

لایه فضایی اول سکونتگاه‌های خودانگیخته در شهر سنندج شامل محلات غفور، عباس‌آباد، کانی-کوزله، تفتقان، فرجه، اسلام‌آباد، بهارمست، پیرمحمد، گلشن، زورآباد، جورآباد و حاجی‌آباد می‌باشد. سابقه شکل‌گیری این محله‌ها دوره‌ی دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ بازمی‌گردد. هم‌زمان با تهیه و اجرای طرح آلتون در سال ۱۳۳۷، سکونتگاه‌های خودانگیخته نیز در قسمت‌های شرقی و شمال غربی شکل گرفتند. بعد از انقلاب و در دوران فضای انقلابی ایجادشده که با جنگ تحمیلی نیز همراه شد، شکل‌گیری چنین محلاتی گسترش یافت. این سکونتگاه‌ها در آن دوران توسط خود ساکنان سازماندهی شده و به‌صورت خودانگیخته ساخته شده‌اند. اکثر این سکونتگاه‌ها به دلیل وضعیت تپه‌ماهوری شهر سنندج اغلب به‌صورت پلکانی ساخته شده‌اند و فضاهای اجتماعی - اقتصادی آن‌ها توسط خود ساکنان اداره می‌شد. به‌تدریج مدیریت شهری مجبور شد این سکونتگاه‌ها را به محدوده شهری وارد کند و برچسب حاشیه-نشینی را بر آن‌ها بزند. مصاحبه‌های صورت گرفته در سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی لایه اول شهر سنندج نیز

گویای این امر است. نخست با حاج مسعود که از ساکنان محله‌ی تفتقان بود مصاحبه کردیم. "او ۲۲ سال است که در محله‌ی تفتقان زندگی می‌کند. حاج مسعود می‌گفت چون در روستا بر روی زمین دیگران کار می‌کردیم و سالیانه هزینه‌ی محدودی دریافت می‌کردم، زمانی که بچه‌دار شدم دیگر آن هزینه برای گذران زندگی‌ام کفاف نمی‌داد؛ در روستا نیز به جز شغل کشاورزی فقط یک سوپر مارکت بود که برای ۱۰۰ خانواده کل روستا کافی بود و شغل دیگری وجود نداشت. بالاچاره به سنندج برای زندگی مهاجرت کردم و شروع به کارگری ساختمانی نمودم. چون زمین در تفتقان بسیار ارزان بود در آنجا خانه‌ای ساختم. در صورتی که ندانستم چند برابر هزینه‌ی پرداخت شده را به خودم ضرر زدم چون اصلاً هیچ حق بر این خانه بجز قولنامه‌ای بیش ندارم."

پسر حاج مسعود محمد نام داشت. او امروزه در حسن‌آباد زندگی می‌کند. محمد هم کارگر ساختمان بود و جوشکاری می‌کرد. محمد اشاره کرد که از سال ۱۳۸۸ چون در حسن‌آباد کرایه خانه ارزان بود به حسن‌آباد رفتم. کرایه‌ی خانه‌ای که در آن ساکن هستم یک میلیون رهن و صد هزار تومان می‌باشد، این خانه در داخل شهر با ۲۰ میلیون و پانصد هزار تومان هم اجاره داده نمی‌شود. در سال ۱۳۸۸ زمین در حسن‌آباد گران بود اول قصد خرید زمین را داشتم؛ اما چون صحبت براین بود که شهرداری قرار است وارد ناحیه شود قیمت‌ها بالا رفته بود و براین باور بودیم که با ورود شهرداری تمام امکانات ایجاد شده و سند برای ساکنان صادر می‌شود. اما با ورود شهرداری و کنترل کردن محدوده، امروزه زمین ۸۰

میلیون تومانی سال ۸۸ را با ۴۰ میلیون تومان می‌توان تهیه کرد. با ورود شهرداری به حسن آباد جلوی ساخت و ساز را گرفتند، مردم نیز دیگر توان پرداخت ۴۰ میلیون تومان عوارض، جواز به شهرداری و نظام مهندسی را ندارند، چون با ۳۰ میلیون تومان خانه‌ی خود را درست می‌کنند، من اگر قرار باشد ۴۰ میلیون تومان به شهرداری بدهم دیگر ساختمان درست نمی‌کنم."

برای جمع‌بندی نهایی این لایه از دید شهروندان و بررسی شرایط سکونت آنان، محله عباس آباد از محلات خوددانگیخته‌ی شهری شهر سنندج مورد بررسی قرار گرفت. این محله نسبت به حاجی آباد وضعیت نامناسب‌تری از لحاظ معیشت ساکنان داشت. در این محله نیز به پای صحبت دو تن از ساکنان آن نشستیم. حاج ملا عثمان از اشخاص قدیمی محله‌ی عباس آباد بود. سخنان او بسیار جالب توجه بود. "من ۳۵ سال بود که در عباس آباد زندگی می‌کردم. پیش از عباس آباد از روستای اطراف دهگلان آمدم. در آن دوران زمین در دهگلان کم داشتیم، بچه‌ها که بزرگ شدند کار دیگری به‌جز کشاورزی نبود به ناچار به دلیل بهبود وضعیت زندگی به سنندج مهاجرت کردیم. زمانی که وارد شهر شدیم قالی‌بافی می‌کردم. آن زمان عباس آباد زمین ارزان بود و نزدیک به میدان انقلاب (میدان اصلی شهر) بود. به همین دلیل در اینجا ساکن شدیم و از این راه امرار معاش کردیم. تا اینکه بچه‌هایم بزرگ شدند آن‌ها ازدواج کردند و توان تهیه خانه را نداشتند اگر می‌خواستیم خانه‌ی عباس آباد را بسازیم شهرداری برای ساخت خانه از ما پول زیادی می‌گرفت. به همین دلیل خانه‌ی

عباس آباد را فروختیم و چون دیگر نایسر، نله، حسن آباد و گریزه جزء شهر شده، ۸ سال است که به دوشان رفتیم و در آنجا خانه‌ی ۳ طبقه‌ای برای تمام خانواده درست کردیم. فرزندانم یکی نجار و دیگری راننده تاکسی است و زندگی خیلی بهتر از سابق است". پس از حاج ملا عثمان به پای صحبت‌های ملا عزیز در عباس آباد نشستیم. "او نیز ۲۸ سال بود که به عباس آباد آمده بود. دقیقاً سال ۵۹ بود که به سنندج آمدم. پیش از این در مریوان ساکن بودیم. شرایط جنگی و حزب‌های کردستان باعث ناامنی شدید و بالایی در شهر شده بودند و دیگر توان زندگی در مریوان نبود. پدرم به دلیل آن که بچه‌هایش را از دست ندهد یا انگی به او نزنند به شهر آمد. پس از وارد شدن به شهر سنندج قیمت زمین در همه‌جای شهر به‌جز اطراف شهر بسیار بالا بود. محلاتی چون غفور و حاجی آباد نیز نسبت به عباس آباد قیمت بالایی داشتند. به این دلیل در عباس آباد ساکن شدیم. آن زمان دو نفر مالک عباس آباد بودند. این دو نفر بالاچار زمین‌های مسکونی را قطعه‌بندی کرده و فروختند در غیر صورت مردم خود زمین‌ها را اشغال می‌کردند و می‌ساختند. آن زمان هرکسی زور بیشتری داشت زمین بیشتری را صاحب می‌شد. امروزه وضعیت زندگی خوبی داریم. این محله از دیگر محلات شهر بهتر است چون مردم همدیگر را می‌شناسند و باهم ارتباط داریم."

بررسی دیدگاه ساکنان در لایه‌ی نخست نشان از بهبود وضعیت این ساکنان و رضایت آن‌ها از سکونت‌شان نسبت به مکان پیشین را دارد؛ اما همان‌طور که اشاره شده این گروه به دلیل توان مالی

پایین توان تأمین هزینه‌ها در چارچوب قوانین و مقررات نبوده و نه تنها از شرایط و دیدگاه‌های انگل-وار به این ساکنان برخوردار نیستند بلکه وضعیت اجتماعی مناسبی در آن حکم فرماست.



شکل ۵. وضعیت زیسته ساکنان در لایه اول فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری سنندج

ناحیه حسن‌آباد، گریزه، نایسر و ننه که تا سال ۱۳۷۰ با رشد آرامی همراه بود به تدریج بر جمعیت آن افزوده شد و تا سال ۱۳۹۰ با نرخ رشد چشم‌گیری رویه‌رو شد (جدول ۳).

مقایسه جمعیت‌های موجود در ناحیه‌های مفصل شهری با جمعیت پیشنهادی طرح تفصیلی برای سال ۱۳۹۰ مصوب سال ۱۳۸۷ (جمعیت پیشنهادی برای ننه ۵۲۱۵ نفر، نایسر ۱۷۶۳۶ نفر، گریزه ۱۸۸۱ نفر و حسن‌آباد ۹۸۲۰ نفر) نشان از انتزاعی بودن این طرح و عدم دید به واقعیت در این مناطق دارد. دیدگاه‌های ساکنان و نظرات آنان تاییدگر این مسئله است. حاج احمد از ساکنان ناحیه مفصل شهری نایسر است. او از سال ۱۳۴۹ به شهر سنندج آمده بود و پیش از آن در روستاهای اطراف کامیاران زندگی می‌کرد. "پس از آنکه در سال ۱۳۴۹ به سنندج آمدم در تپه‌ی پیرغریب ساکن شدم و چون در روستا نیز زمینی نداشتم تا چند سالی کارگری می‌کردم. در سال ۵۳

برخی از ساکنان این محلات به مرور وضعیت خود را چه از لحاظ اقتصادی و چه کالبدی بهبود بخشیدند (مانند عباس‌آباد، حاجی‌آباد، فرجه) و امروزه جایگاه اجتماعی مناسبی در شهر یافته‌اند و به نوعی تثبیت شده‌اند. این محلات از لحاظ اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی بالایی داشته و همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود خود ساکنان ایجاد قلمروهایی فضایی - ذهنی برای گردهمایی خود به وجود آوردند.

اما با گذر زمان و افزایش جمعیت شهر، عدم وجود هیچ برنامه‌ای از طرف دولت برای گروه‌های خاص درآمدی، بالطبع افزایش قیمت زمین و مسکن در بازار شهر و در نظر گرفتن ضوابط سخت و غیر منعطف حتی در محلات خودانگیخته لایه فضایی اول شهری، تازه‌واردان و نیز افراد با سابقه شهرنشینی برای تأمین مسکن خود به سکونتگاه‌های روستایی نزدیک به شهر طرد شدند. لایه دوم فضایی شهر شامل چهار

وارد نایسر شد، زمین گران شد؛ اما پس از یک سال، زمانی که مردم متوجه این امر شدند که جلوی ساخت و ساز آن‌ها گرفته می‌شود، قیمت زمین با افت شدیدی همراه شد". جدایی دیدگاه مردم و زندگی روزمره آنان با اقدامات دولتی در نواحی منفصل شهری گویایی شدیدی میان برنامه و عمل است.

در حقیقت اغلب برنامه‌های شهری بسیار انتزاعی و از واقعیت و زیست ساکنان دور می‌باشد؛ زیرا در حقیقت همان‌طور که مشاهده شد دولت و اغلب برنامه‌ها نه تنها به وضعیت فقرا کمک نکرده‌اند بلکه بیش‌ازپیش به آن دامن زده‌اند. نکته جالب توجه هم‌زمانی افزایش جمعیت این نواحی با ساخت شهرک‌های جدید مانند بهاران به صورت رسمی است. این امر جدایی کامل میان اقدامات دولت و فقرا را نشان می‌دهد. علاوه بر این طرح مسکن مهر با وجود مشکلات بسیار نه تنها پاسخگوی مسکن فقرا نشد بلکه امروزه بیش از ۶۰ درصد از ساکنان آن در شهر سندانج مستأجر هستند و با زیست ساکنان که اغلب نیازهای متفاوتی دارند؛ مغایرت دارد.

همان‌طور که قابل مشاهده است مردم خارج از چارچوب رسمی، لایه دوم را برای خود شکل دادند و مدیریت شهری برای بار دوم به ناچار مجبور به الحاق آن‌ها به محدوده شهر تحت عنوان نواحی منفصل شهری شد.

ازدواج کردم و به دنبال زندگی بهتری بودم. یکی از کارگرهای ساختمانی که همکار بودیم به من گفت که اگر به پاسگاهی که مسئول منطقه‌ی کانی‌کوزله و عباس‌آباد بود هزینه‌ای پرداخت کنم می‌توانم خانه‌ای بدون هزینه بسازم. در این زمان بود که با پرداخت ۱۰۰ تومان خانه و مغازه‌ای در کانی‌کوزله ساختم و از جایی که کولیره‌پزی را بلد بودم مشغول این کار شدم. پس از آن در سال ۱۳۶۶ بود که آیت‌الله خامنه‌ای به سندانج و به صورت کاملاً غیر منتظره‌ای به کانی‌کوزله آمد. با بررسی وضعیت مغازه به من آب و برق و گاز رایگان داد. اما از بخت بد من در زمان جنگ بود و یک بمب خانه مرا ویران کرد. پس از پیگیری هیچ هزینه‌ای بابت آن ویرانی از طرف دولت به من پرداخت نشد. در آن زمان سرگرد دانشمند مسئول این منطقه بود؛ او به من گفت تا زمانی که داخل شهر را سروسامان ندهیم اطراف شهر را (همچون کانی-کوزله، عباس‌آباد، غفور و...) درست نمی‌کنیم. در این زمان بود که من هم توان ساخت مجدد ساختمان را نداشتم و با شراکت شخص دیگری این کار را انجام دادیم و بار دیگر مغازه‌ی کولیره‌پزی را راه‌اندازی کردیم. پس از این دوران بود که بچه‌هایم بزرگ شده بودند خانه‌ی ما کافی نبود و با این درآمد نیز توان امرار معاش نداشتیم. خانه و مغازه‌ی کانی‌کوزله را به شریک خودم فروختم و در سال ۱۳۸۵ بود که در نایسر این زمین را خریدم و سه طبقه برای خودم و فرزندانم ساختم. آن زمان تنها مکانی که می‌شد این کار را انجام داد نایسر بود. علاوه بر ساخت این خانه مغازه‌ای نیز در این محله کرایه کردم و همان شغل قدیم خودم را ادامه دادم. در دورانی که شهرداری



شکل ۶. لایه دوم فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج

کردیم. "من ۱۵ سال است که در شهر سنندج زندگی می‌کنم. در سال ۱۳۸۱ همراه با پدرم از روستاهای اطراف شهر دهگلان به سنندج آمدم. پیش از ما خانواده‌ی عمو نیز به سنندج آمده بود؛ آن‌ها به ما اطلاع دادند که زندگی در گریزه بسیار راحت و ساخت و ساز نیز در آن با هزینه پایینی صورت خواهد گرفت. به این دلیل ما زمین‌های خود را در روستا فروختیم و به سنندج آمدم و در گریزه زمینی به صورت قولنامه‌ای خریدیم.

پدرم که زمین کشاورزی را در روستا نفروخته بود با هزینه‌ی زمین سالانه زندگی خود را اداره می‌کرد و من هم کارگری ساختمان می‌کردم. در این میان با حرفه‌ی برق‌کاری آشنا شدم. سال ۹۰ ازدواج کردم و در خیابان نمکی مغازه‌ی تعمیراتی گذاشتم.

چون تعدادمان در خانه زیاد شده بود نیاز بود من از خانه‌ی پدری‌ام برم. در گریزه ساخت و سازگران شده بود و من هم توانایی پرداخت هزینه‌ی شهرداری و ... را نداشتم به همین دلیل در روستای دوشان خانه‌ای اجاره کردم. خانه‌ی ۲۰۰ متری که در روستا اجاره کردم در داخل شهر و گریزه بسیار هزینه‌ی

ایجاد سازوکارهای رسمی در این نواحی و تکرار این روند به همراه تأکید بر طرح‌های کلان‌مقیاس همچون مسکن مهر در راستای بازنمایی فضا موجب شده که این بار روستاهای دیگر اطراف شهر سنندج چون آساوله، قار، دوشان، باباریز، گرمیدر، برازان و قلیان برای سکونت افرادی که به خاطر چنین سیستم تحمیلی، استطاعت مالی در محدوده‌های رسمی را ندارند، مورد توجه قرار گیرد و در آینده شاهد شکل‌گیری لایه سوم سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری باشیم.

در حقیقت نکته قابل توجه در این میان جدایی زیست و خواست ساکنان از برنامه‌های شهری بوده است. نیازها و توان ساکنان متفاوت از وضعیت برنامه‌ها بوده و این امر نشان از برنامه‌ریزی انتزاعی دولتی بوده است. در این راستا همانند بررسی‌های صورت گرفته در لایه‌ی اول و دوم سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری در شهر سنندج به بررسی ساکنان غیربومی لایه‌ی سوم از طریق مصاحبه پرداخته شد؛ تا دلیل سکونت آن‌ها را در این روستا جویا شویم. در روستای دوشان با کاک مصطفی مصاحبه

بیشتری داشت. ازین رو ۵ سال است که در دوشان ساکن شده‌ام". بررسی و مصاحبه با ساکنان روستاهای آساوله، برازان و قلیان نیز گواه همین مطلب بود.

رشد این روستاها همان‌طور که اشاره شد از سال ۱۳۸۵ به بعد چشمگیر بوده است و این امر نشان از بازتولید این سکونتگاه‌ها در گذار زمانی دارد. بررسی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج و روستاهای اطراف آن نشان می‌دهد که در هر دوره زمانی وضعیت بازنمایی فضایی و عمل فضایی از تجربه زیسته ساکنان جدا بوده است.

در حقیقت جدایی میان این گروه‌ها و اقدامات در سطح بین‌المللی و بازتاب آن در سطح ملی و محلی بدون دید به فرهنگ و خواست ساکنان جدایی این گروه‌ها را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. در شهر سنندج تجربه چند دهه گذشته نشان می‌دهد که ساکنان برنامه‌ها و اسناد انتزاعی را راهکار مناسبی برای خود نمی‌بینند و خود اقدام به تولید فضای مدنظرشان می‌کنند. این گروه بیش از آن‌که نیاز به روال بروکراتیک و قوانین رسمی داشته باشند برای اشتغال در شهر و استفاده از خدمات رسمی به ناچار در این سکونتگاه‌ها سکنی می‌گزینند.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بار ارزشی متفاوتی که بر دو مفهوم رسمیت و غیر رسمیت مترتب است منتهی به شکل‌گیری یک جغرافیای نابرابری از ارزش‌های فضایی شده است؛ ملغمه‌ای از فضاهای ارزش‌دار و بی‌ارزش که به نوبه‌ی خود زمینه‌ساز اصلی گسترش و توسعه نیز

می‌باشد. فضاهای غیررسمی شده به عنوان اراضی بی‌ارزش موضوع نوسازی و بهسازی شهری قرار می‌گیرند درحالی‌که فضاهای رسمی شده از خلال مشروعیت گرفتن واجد ارزش می‌شوند. از این‌روست که شهر غیررسمی به تمامی، موضوع برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرد.

بر همین سیاق غیررسمیت چیزی جز رویه‌های برنامه‌ریزی شهری نیست. در این راستا پرسمان هانری لوفور با در نظر گرفتن دیدگاهی یکتا از فضا، به‌خوبی این دیدگاه را در چارچوب نظریه تولید فضا بر پایه‌ی روابط دیالکتیکی و درهم‌تنیده سه لحظه فضایی پراکتیک‌های فضایی یا فضای دریافته، بازنمایی‌های فضا یا فضای پنداشته و فضای بازنمایی یا فضای زیسته و شکل‌گیری دوگانه مرکز - حاشیه مطرح کرده است. در این راستا و با تأکید بر سه لحظه‌ی فضایی نظریه‌ی تولید فضای هانری لوفور شهر سنندج مورد بررسی قرار گرفته است.

امروزه بیش از ۵۰ درصد از ساکنان این شهر سنندج در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری زندگی می‌کنند. درحقیقت ساختار طرح‌ها و برنامه‌ها و ساختار بروکراتیک اداری موجب هرچه بیشتر به حاشیه‌رانده شدن گروه‌های کم‌درآمد شهری و غلبه طرح‌ها و برنامه‌های انتزاعی و جدای از واقعیت و به صورت برون‌زا به طور روزافزون موجب بازتولید این فضا خواهد شد.

تمام این عوامل در قالب بازنمایی‌هایی که برای فضا وجود داشت منجر به رشد و بازتولید فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته در شهر سنندج شده است به‌گونه‌ای که نه‌تنها به بهبود لایه تثبیت‌شده اول شهر

هایشان کرده‌اند. در واقع در قالب فضای بازنمایی، ساکنان با اولویت بخشیدن به ارزش استفاده در برابر تمرکز مدیریت شهری بر ارزش مبادله در شهرها مقاومت کرده و در برابر برنامه رسمی، فضا را در چارچوب غیررسمی خود تولید می‌کنند. در حقیقت تحمیل پرکنیس‌های فضایی و بازنمایی فضا بر فضای زیسته ساکنان و متقابلاً گسترش شهر در لایه‌های دوم و سوم فضایی تأیید کننده این امر است. مصاحبه‌های صورت گرفته در سه لایه‌ی فضایی شهر سنندج به درستی جدایی مثلث نظریه، عمل و خواست مردم را اثبات کرد.

کمک نکرده بلکه به بازتولید آن در لایه‌های دوم و بالتبع به مرور زمان به بازتولید لایه‌ی سوم انجامیده است. پرکنیس فضایی در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج نیز همچون پروژه‌های بانک جهانی، پروژه‌های سازمان‌های مختلف نظیر شرکت عمران و بهسازی شهری و اقدامات شهرداری و مدیریت شهری نیز تأثیری بر توقف این روند نداشته است و هر بار این ساکنان بوده‌اند که در قبال وضعیت تحمیلی با تولید فضای موردنظر خود، مدیریت شهری را در نهایت مجبور به تسلیم در برابر خواسته-

جدول ۷. جمع‌بندی سه لحظه‌ی فضایی در سه سطح بین‌المللی، ملی و محلی

نتیجه	وضعیت سطح ملی و محلی	دیدگاه نظری	
با حاشیه رانده شدن بیشتر فقرا با سیاست‌های منعطف از بالا به پایین و طرح‌های انتزاعی برون‌زا و عدم انطباق با شرایط که در نتیجه‌ی سیاست‌های برون‌زای دهه‌ی ۲۰ تا ۴۰ در ایران صورت گرفته است. نتایج این تفکرات و برنامه‌ها با وضعیت و اقدامات صورت گرفته در فضای دریافته مرتبط نیست.	۱- اصل چهارم ترومن ۲- خیابان‌های چلیپایی ۳- اجرای طرح آلتون (برون‌زا) در سال ۱۳۳۷ ۴- اصلاحات ارضی (۱۳۴۰) ۵- تعیین محدوده و خارج از محدوده در طرح مرجان (۱۳۵۲) ۶- طرح کالبدی زاگرس (۱۳۸۰) ۷- طرح توسعه استان کردستان (۱۳۸۳) ۸- طرح جامع شهر سنندج (۱۳۸۳) ۹- طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهر سنندج (۱۳۸۴) ۱۰- طرح تجدیدنظر توسعه استان (۱۳۸۵) ۱۱- طرح تفصیلی (۱۳۸۷) ۱۲- طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده (۱۳۸۸) ۱۳- طرح مسکن مهر (۱۳۸۸) ۱۴- طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی ناحیه منفصل شهری نایسر (۱۳۹۳)	طرح‌ها و برنامه‌ها	فضای پیداشته (بازنمایی فضایی)

ادامه جدول ۷

دیدگاه نظری	وضعیت سطح ملی و محلی	نتیجه
فضای پدانشیه (بازتابی فضایی)	دیدگاه‌ها و نظرات فن سالاران علمی و دولتی	برچسب زدن با واژگانی چون حاشیه‌نشین و الغای تفکر شهروند درجه دوم به ساکنان این سکونتگاه-ها؛ در حقیقت ساکنان این سکونتگاه‌ها از نظر اجتماعی انگ می‌خورند؛ از نظر اقتصادی جذب و از نظر سیاسی طرد می‌شوند.
فضای دریافته (عمل فضایی)	۱- ورود بانک جهانی (تصویب سند ملی توانمندسازی ۱۳۸۳) و اقدامات صورت گرفته در راستای توانمندسازی ۲- احداث ۴ مدرسه و مرکز فرهنگی و آسفالت معابر (اقدامات جزئی و تسکین موضعی) ۳- ساخت شهرک بهاران (در راستای سکونت دهک‌های کم-درآمد جامعه که به شهرکی برای گروه‌های میانه بدل شد) ۴- احداث منبع آب و مدرسه در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری توسط شرکت مادر تخصصی ۵- برگزاری کارگروه‌های مهارتی و جلسات هم‌اندیشی توسط موسسات کاردوک و ژیار ۶- الحاق ۴ محدوده به شهر (لایه دوم سکونتگاه‌ها) ۷- مسکن مهر (۱۳۹۳)	جدایی طرح‌های صورت گرفته با فضاهای دریافته و اقدامات صورت گرفته در محلات خوانگیخته‌ی شهری؛ با مقایسه طرح‌ها و اقدامات مشاهده می‌شود که طرح‌ها در راستای اقدامات صورت گرفته نبوده است. این عمل نشان از جدایی این دو روش را نشان می‌دهد.
فضای زیسته	۱- شکل‌گیری محلات خودانگیخته نخستین لایه در دهه‌ی ۱۳۶۰-۱۳۴۰ ۲- شکل‌گیری ذهنیت حاشیه‌نشین برای این افراد ۳- سکونت در مناطق به دلیل هزینه پایین سکونت و توان اشتغال در شهر ۴- عدم توان تامین مسکن در استطاعت و رشد لایه دوم سکونتگاه‌ها (براساس مصاحبه‌ها و بررسی‌های صورت گرفته پس از رسمی شدن لایه اول و نیاز به قواعد و مقررات و عدم توان پرداخت هزینه رسمی شدن توسط) ۵- رشد لایه سوم سکونتگاه‌ها به دلیل رسمی شدن لایه دوم سکونتگاه‌ها (مصاحبه‌ها و رشد جمعیت گویای این امر است که جمعیت لایه دوم تثبیت و پس از رسمی شدن لایه سوم رشد داشته است)	بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که وضعیت موجود در فضای پدانشیه و دریافته به صورت جدایی کامل بررسی‌ها از فضای زیسته ساکنان است. در حقیقت طرح‌های انتزاعی و اقدامات جدا از برنامه‌ها و در طرف دیگر فضای متفاوت شهروندان نشان از جدایی کامل این سه فضا است. از طرف دیگر فقرا خواستار خدمات رسمی هستند اما توان تامین هزینه‌های رسمی شدن را ندارند به این دلیل برای بهبود زندگی اقدامات مختلفی را جدای عمل فن سالاران انجام می‌دهند.

جمع‌بندی وضعیت سه‌لحظه فضایی در شهر سنندج نشان از این امر دارد که طرح‌ها و برنامه‌های سطح کلان تا محلی این شهر به صورت ناکارآمد بوده و با وضعیت گروه‌های مختلف جمعیتی انطباق ندارد. از طرف دیگر گروه‌های فن‌سالار علمی و دولتی در فضای پنداشته با برچسب‌زدن به ساکنان این سکونتگاه‌ها (حاشیه‌نشین، غیررسمی و...) تنها به صورت شعارگونه و در برخی از بخش‌ها با نگرشی خلاف وضعیت فضای زیسته شهروندان می‌باشند. این امر در فضای دریافته و اقدامات صورت گرفته در شهر سنندج مشاهده می‌شود. بررسی اقدامات صورت گرفته در راستای سکونتگاه‌های خودانگیخته-ی شهری در شهر سنندج نشان از جدایی طرح‌ها و برنامه‌ها با اقدامات دولتی در این سکونتگاه‌ها دارد. بررسی این دولحظه نشان داد که این اقدامات موجب به‌حاشیه‌راندن شدن گروه‌ها کم‌درآمد شهری شده است. بازتاب این وضعیت در تجربه‌ی زیسته‌ی ساکنان مشخص شده است. مصاحبه‌های صورت گرفته نشان از دیدگاه این ساکنان به پیروزمندانی است که در تنازع با اقتصاد شهری به ساماندهی

وضعیت خود می‌پردازند. این وضعیت نشان از جدایی سه‌لحظه‌ی فضایی در شهر سنندج دارد که هر گروه با برتر شمردن دیدگاه خود سعی در بهبود وضعیت دارند. در این میان توجه به نظرات لوفور و اینکه برنامه‌ریزی باید سخت‌ترین انتقادهای را بر خود وارد کرده تا از ایدئولوژی‌های یابد، لزوم توجه به خواست و خودسازمان‌دهی زندگی روزمره توسط اقشار کم‌درآمد را بیش‌ازپیش عیان می‌کند تا به تدریج بتوان دوگانه رسمی / غیررسمی را حل کرد. همچنین می‌توان با شکل‌دهی گفتمانی انتقادی روند تشدیدکننده نابرابری و شکاف طبقاتی را کندتر و درنهایت متوقف کرد و این مهم جزء با خواست عمومی و رمزگشایی فضا و توجه به ارزش استفاده تا ارزش مبادله‌ای و تجربه زیسته ساکنان دست‌یافتنی نیست. شکاف عمیق میان گروه‌های مختلف از جمله فن‌سالاران علمی و کارفرمایان، اقدامات صورت گرفته و تجربه زیسته ساکنان با یکدیگر لزوم برقراری حیات گفتگو در میان این گروه‌ها و ایجاد راهکارهای بدیل با نگرشی انتقادی نسبت به دهه‌های پیشین را ایجاد کرده است.

کتاب‌نامه

۱. ابادری، ی.ع و قلی‌پور، س. (۱۳۹۱). فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره دوم، شماره ۱، بهار و تابستان، صفحه ۳۷-۹.
۲. اقبالی، ن و رحیمی، م. (۱۳۸۹). ساختار شهری سنندج در تصرف سکونتگاه‌های غیررسمی، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز، ۷۲-۵۷.
۳. اویسی، د. (۱۳۸۶). بررسی اجمالی الگوهای توسعه در ایران: توسعه در هزارتوی فراموشی، روزنامه اعتماد، شماره ۱۳۹۷، ۳۰ اردیبهشت، صفحه ۱۴. <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1408787>

۴. ایراندوست، ک و علیزاده، ه و خسروانیان، ل و تولایی، ر.ا. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران، مطالعه تطبیقی شهرهای سندج و کرمانشاه، نامه معماری و شهرسازی، دوره ۵، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۹۱-۱۰۴.
۵. ایراندوست، ک. (۱۳۸۸)، سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، تهران، ایران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۶. ایراندوست، ک. (۱۳۹۱). فقر، سکونتگاه‌های غیررسمی و امنیت شهری، فصلنامه سیاست‌گذاری، دوره ۳، شماره ۱، بهار، ۱۹۲-۱۵۹.
۷. پیران، پ. (۱۳۹۴). حق مشخص به شهر مشخص، نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، دوره ۴، شماره ۴۹ و ۵۰، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۵۱-۷.
۸. ترکمه، آ. (۱۳۹۳). درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور، تهران، ایران: نشر تیسرا.
۹. ترکمه، آ؛ شیرخدایی، آ. (۱۳۹۴). تولید فضای هانری لوفور، نشریه جامعه، فرهنگ و رسانه، سال چهارم، شماره ۱۴، بهار، ۳۰-۱۱.
۱۰. ترکمه، آ؛ شیرخدایی، آ. (۱۳۹۵). بازاندیشی غیررسمیت و فقر/نابرابری شهری: دیدگاهی روش‌شناختی، نخستین همایش بین‌المللی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری: به سوی بهسازی و بازآفرینی پایدار، سنندج، ایران.
۱۱. جوان، ج و دلیل، س و سلمانی مقدم، م. (۱۳۹۲). دیالکتیک فضا از منظر لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۲، تابستان، ۱۷-۱.
۱۲. حبیبی، م. (۱۳۸۷)، از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)، تهران، ایران: دانشگاه تهران.
۱۳. دلفروز، م.ت. (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران، ایران: نشر آگاه.
۱۴. رعنائی، ش. (۱۳۹۶). بررسی اجرای برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای آن در استان کردستان (۱۳۴۱-۵۳)، به راهنمایی علی بیگللی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۱۵. رنه شورت، جان (۱۳۹۰)، نظریه شهری (ارزیابی انتقادی)، ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، تهران، ایران: نشر دانشگاه تهران.
۱۶. روی، آ. (۱۳۹۶). زیست غیررسمی شهری "تولید فضا و پرکتیس‌های برنامه‌ریزی شهری، ترجمه‌ی ایمان واقفی، نشانی سایت: <http://dialecticalspace.com/urban-informality>
۱۷. رهنما، س. (۱۳۹۵). گذار از سرمایه‌داری، ترجمه پرویز صاقت، تهران، ایران: نشر آگاه.
۱۸. زارعی، م.ا. (۱۳۹۵). ضرورت جلوگیری از توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی سنندج، گزارش شهر و شهروند، شرکت عمران و بهسازی، تهران، ایران، ۱۹-۱۸.
۱۹. سرشماری نفوس و مسکن، شناسنامه آبادی‌ها شهرستان سنندج، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

۲۰. شریفی، پ. (۱۳۹۱). تاریخ ایران: شش دوره صنعتی شدن ایران در قرون نوزدهم و بیستم، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۲۷۰۸، ۱۶ مرداد: <http://yon.ir/wXwIR>
۲۱. شهبازی، ع (۱۳۸۷). زمین و انباشت ثروت: تکوین الیگارشی جدید در ایران امروز: <https://ketabnak.com/merger.php?dlid=20488>
۲۲. الصیاد، نزار (۱۳۹۵). زیست غیررسمی، شیوه جدیدی از زندگی، ترجمه و تلخیص امیر طهرانی، سایت *رخداد تازه اندیشه*، به نشانی: <http://rokhdadtaze.com/archive/rokhdaditext/urban-informality-new-way-life-2>
۲۳. قادری، ا. (۱۳۹۵). بهسازی مناطق حاشیه‌ای با ارتقا سطح فرهنگ شهروندان، گزارش شهر و شهروند، شرکت *عمران و بهسازی، تهران، ایران*: ۱۳-۱۲.
۲۴. قالیباف، م.ب و و عزت‌پناه، ب و پور موسوی، س.م. (۱۳۸۹). تمرکزگرایی فضایی و اثرات آن بر گسترش فیزیکی ساختار فضایی شهر (مطالعه موردی: شهر سنندج)، *نشریه فضای جغرافیایی*، دوره دهم، شماره ۳۲، ۱۸۰-۱۵۱.
۲۵. قرخلو، مهدی و عبدی ینگ‌کند و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸)، تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد: شهر سنندج)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۲، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۸۸، صفحه ۱۶-۱.
۲۶. لوفور، هانری (۱۳۹۱)، تولید فضا، ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران، ایران: نشر مرکز برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۷. لوفور، هانری (۱۳۹۳)، ماتریالیسم دیالکتیکی، ترجمه آیدین ترکمه، تهران، ایران: نشر تیسار.
۲۸. محمدی، ا و آشوری، ک. (۱۳۹۶). درآمدی بر برنامه‌ریزی مسکن گروه‌های کم‌درآمد با تاکید بر توسعه درون‌زاد، *کردستان، ایران: انتشارات جهاد دانشگاهی*.
۲۹. مردانی، ع. (۱۳۹۴). جلوه‌های اقتصاد پنهان چیست و چگونه آشکار می‌شوند؟ اقتصاد سیاه ناهنجاری‌های پنهان، *هفته‌نامه تجارت فردا*: <http://yon.ir/N7bQu>
۳۰. مروتی، ن. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سنندج (مورد مطالعه: محله عباس‌آباد سنندج)، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۴۴ - ۱۱۹.
۳۱. مهری، م. (۱۳۹۵). حاشیه علیه متن، *روزنامه شهروند*، سال چهارم، شماره ۹۲۳، ۲۸ مرداد ماه: <http://yon.ir/yRatU>
۳۲. میردال، گ. و دیگران (۱۳۹۴). تصور عصر پسا توسعه، مقالاتی در باب توسعه، گزینش و ویرایش محمد ملاعباسی، نشر ترجمان.
۳۳. نعمانی، ف و بهداد، س. (۱۳۸۹). سی سال جابجایی طبقات اجتماعی در ایران، *نشریه گفتگو*، شماره ۵۵.
۳۴. نوروز، م. (۱۳۸۱) آسیب‌شناسی سرمایه‌داری در ایران؛ از بنیان‌ها تا رویکردها، *نشریه پگاه حوزه* شماره ۶۰.
۳۵. وجدی، محمدصادق (۱۳۹۵). نگاه مسئله محور، اساسی‌ترین راه‌حل رفع معضل سکونتگاه غیررسمی، گزارش شهر و شهروند، شرکت *عمران و بهسازی، تهران*، ۱۵-۱۴.
۳۶. هادی زنون، بهروز (۱۳۸۴)، فقر و نابرابری درآمد در ایران، *نشریه رفاه اجتماعی*، دوره چهارم، شماره ۱۷، تابستان، ۲۰۳-۱۶۲.

37. Alaedini, P., & Fardanesh, F. (2014). *From shelter to regeneration: Slum upgrading and housing policies in Islamic Republic of Iran*. Tehran, Iran: The Civil and Construction Company.
38. AlSayyad, N. (2004). Urban informality as a way of life. In A. Roy & N. AlSayyad (Eds.), *Urban informality: Transnational perspectives from the Middle east, Latin America, and South Asia* (pp. 7-30). Lanham, MD: Lexington Books.
39. AlSayyad, N., & Roy, A. (2003). *Urban informality: Crossing borders*. Oxford, England: Lexington books.
40. Habitat, U. (2012). *Cities prosperity initiative toolkit*. Retrieved from [http:// www.worldurbancampaign.org/ file/973/download?token=3glPhwGw](http://www.worldurbancampaign.org/file/973/download?token=3glPhwGw)
41. Jabareen, Y. (2014). "Do it yourself" as an informal mode of space production: Conceptualizing informality. *Journal of Urbanism: International Research on Place Making and Urban Sustainability*, 7(4), 414-428.
42. Lefebvre, H. (1973). *The survival of capitalism: Reproduction of the relations of production* (F. Bryant, Trans.). New York, NY: Allison & Busby.
43. Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford, England: Blackwell.
44. Mahmoud, R., & Abd Elrahman, A. (2016). Social production of urban space in informal areas in the G.C.R "missing values and probable potential". In S. Attia, S. Shabka, Z. Shafik, & A. Ibrahim (Eds.), *Dynamics and resilience of informal areas: International perspectives* (pp. 113-130). Bern, Switzerland: Springer
45. Merrifield, A. (2011). The right to the city and beyond. *City*, 15(3-4), 473-481.
46. Rice, L. (2015). *The production of informal space: A case study of an urban community garden in England* (Unpublished doctoral dissertation). University of the West of England, Bristol, England.
47. Roy, A. (2005). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147-158.
48. Wacquant, L. (2008). *Urban outcasts: A comparative sociology of advanced marginality*. Malden, MA: Policy Press.